

# نسخه‌های عکسی

ابوالفضل حافظیان بابل

## بخش هشتم

(۱۳۱۴) تفسیر تقدمة المعرفة لبقرات (پزشکی - عربی)

از: جالینوس

ترجمه به عربی: حنین بن اسحاق عبادی (درگذشته ۲۶۰ ق)  
تقدمة المعرفة رساله‌ای طبی است از بقرات (درگذشته ۳۷۷ قبل از میلاد)، مشتمل بر سه «مقاله» که جمعاً ۲۰ «تعلیمات» را دربردارد.

در مقاله اول از طبیب و ضرورت شناخت احوال بیماران، طبایع و علائم امراض، چگونگی تشخیص آنها، طریقه معالجه بیماران و درباره برخی از بیماریها مانند ورمها بحث شده است. مقاله دوم بحث راجع به برخی امراض و عوارض و علاج آنها را دربردارد.

مقاله سوم درباره حمیات (تبها) و انواع و ادوار آنهاست، هم‌چنین مباحثی درباره بیماریهای حلق و سینه مطرح شده است.<sup>۱</sup>

دستنویس‌های موجود از تقدمة المعرفة، همه ترجمه حنین بن اسحاق عبادی (درگذشته ۲۶۰ ق) است.

- کلامروت در ۱۸۸۶ میلادی این کتاب را به چاپ رسانده است و بار دیگر در ۱۹۳۸ میلادی با تحقیق سید صادق کمونه محامی در نجف چاپ شده است.<sup>۱</sup>
- چند تن از دانشمندان یونانی و اسلامی، تقدمه المعرفة را شرح کرده‌اند، از جمله:
۱. جالینوس (درگذشته ۲۰۰ قبل از میلاد).
  ۲. عبدالرحیم بن علی دخوار دمشقی (درگذشته ۲۸۶ ق)، نسخه‌های دستنویس آن در کتابخانه‌های ترکیه موجود است.
  ۳. عبداللطیف بن یوسف بغدادی (درگذشته ۶۲۹ ق)، نسخه‌های متعدد آن در کتابخانه‌های مختلف جهان یافت می‌شود.
  ۴. ابوالحسن علی بن ابی‌الحزم قرشی، ابن نفیس (درگذشته ۶۸۷ ق) که سزگین چند نسخه از آن را شناسانده است.
  ۵. ابوالفرج بارهبرائوس (درگذشته ۱۲۸۹ میلادی) که نام وی ابی‌الفرخ غره‌غوریوس مطلی نیز ضبط شده و نسخه دستنویس شرح وی در کتابخانه ولی‌الدین افندی در ترکیه موجود است.<sup>۲</sup>
- جالینوس از نخستین مفسران آثار طبی بقراط است. وی شرحی بر تقدمه المعرفة نگاشته است. حنین بن اسحاق که مترجم آثار بقراط و جالینوس است، این اثر را به عربی ترجمه کرده است. متن تقدمه المعرفة با عنوان «قال بقراط» و شرح جالینوس با عنوان «قال جالینوس» در این ترجمه آمده است.
- گفتنی است که جالینوس رساله دیگری نیز درباره تقدمه المعرفة نوشته، موسوم به «کتاب في نوادر تقدمه المعرفة» و در آن مسائل جالب توجه راجع به پیش‌بینی بیماری‌ها را آورده است.<sup>۳</sup>
- همچنین کتابی به عنوان «ثمار تفسیر جالینوس لکتاب تقدمه المعرفة» از حنین بن اسحاق عبادی در هدیه العارفين معرفی شده است.<sup>۴</sup>
- منابع: تاریخ نگارش‌های عربی، ۵۹/۳ - ۶۱، ۱۶۶، ۱۷۸؛ حركة الترجمة في المشرق الاسلامی فی القرنين الثالث و الرابع للهجرة، ص ۲۴۵ - ۲۷۱؛ فهرست کتابخانه مجلس، ۱۳۷/۱۹؛ فهرس

۱. معجم المطبوعات النجفية، ص ۱۲۶.

۲. تاریخ نگارش‌های عربی، ۵۹/۳ - ۶۱؛ فهرس مخطوطات الطب الاسلامی في مکتبات ترکیا؛ ۴ - ۵.

۳. تاریخ نگارش‌های عربی، ۱۶۶/۳، ۱۷۸.

۴. هدیه العارفين، ۳۳۹/۱ - ۳۴۰.



مخطوطات دارالکتب الظاهرية: الطب و الصيدلة، ۷۷/۲ - ۸۰؛ فهرس المخطوطات العربية المصوّرة الموجودة بمكتبة المخطوطات بجامعة الكويت، ۳۹۷/۱؛ فهرس مخطوطات الطب الاسلامی فی مکتبات ترکیا، ص ۴ - ۵؛ معجم المؤلفین، ۸۷/۴؛ هدیة العارفين، ۳۳۹/۱ - ۳۴۰.

أغاز: «بسمله  
ربّ یسر بعونك،  
المقالة الاولى من  
تفسیر جالینوس  
لكتب بقراط في  
تقدمة المعرفة، قال  
بقراط اني اري انه  
من أفضل الأمور أن  
يستعمل الطبيب  
سابق النظر قال  
جالینوس من  
البین ان ابقرات انما  
استعمل هذه  
اللفظة اعني سابق  
النظر مكان مقدمة  
المعرفة».  
انجام: «اليوم  
العشرين وفي  
بعضها اليوم  
الاربعين وفي

فيها الى كلام طويل خاصي دون شأيرها ولما السبب ذكرها  
وبما التي ترك ذكرها فلهما تدخل في الأدلة الفاضحة من ذلك  
ان ما كتبه اولاً في الوجه الدال على الموت من الصواب ان يقال  
انه دليل قتال في جميع الامراض الحادة وكذلك ما كتبه الثاني  
لاستلحاقه في النفس وفي النوم وفي السهر وفي شأير الاشياء  
لباقه العلم التي ياتي فيها العجز في الاوقات التي عجزناها  
فما تقدم لان كتابه هذا ليس هو في الامراض الحادة بل في  
قال في الامراض الحادة وما يحدث فيها وقد ذكره على ما هو عليه  
الذي ياتي فيه جراً فقال في بعض النسخ  
العشرون وفي بعضها اليوم الاربعين وفي  
تمت المقالة الثالثة من تفسير  
جالينوس - بقراط - تقدم المعرفة  
وهي احراز الكتاب  
والله اعلم وحده وصلواته على سيدنا محمد  
والرسل جميعاً وسبلها كثيراً  
وافق الفرغ من نسخ هذا الكتاب  
حاشية يوم الجمعة الرابع من شهر  
حادي المحرم سنة سبع وعشرون

تفسير تقدمه المعرفة لبقراط، ش، ۱۳۱۴.

بعضها [؟] تمّت المقالة الثالثة من تفسير جالينوس لكتاب بقراط في تقدمه المعرفة وهي آخر الكتاب».

نسخ، در برخی موارد معرب، بدون نام كاتب، عصر روز جمعه ۴ جمادی  
الآخر ۶۲۷، عناوين به خط درشت، در حاشیه تصحیح شده و در آخر نسخه بلاغ

مقابله و تصحیح بدین عبارت آمده است: «قوبل هذا الكتاب على الاصل فصح بحسب الطاقة والامكان بحمد الله والمنة و صلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم»، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان چنین ثبت شده: «کتاب تقدمه المعرفة لبقرات شرح جالينوس نقل ابى زيد حنين بن اسحق الطيب وهو ثلاث مقالات»، در اول نسخه شرح حال حنين بن اسحاق به نقل از تاريخ الحكماء ابن ابى اصيبعة نقل شده و چند تملك در قرن‌های ۱۱ تا ۱۴ هجری و نیز کلمه «يا كبيكج» دیده می‌شود.

۱۸۶ صفحه، ۲۱ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستربیتی در دبلین ایرلند، نسخه شماره «۳۱۲۷». فهرست نسخه‌های خطی عربی چستربیتی، آربری، ۵۱/۱؛ فهرس المخطوطات العربية في مكتبة تشستربیتی، آربری، ترجمه دکتر محمد شاکر سعید، ۷۷/۱.



(۱۳۱۶) الثغور الباسمة في مناقب السيدة فاطمة (فضائل - عربی)

از: جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (درگذشته ۹۱۱ ق) رساله مختصری است در بیان احادیثی که در فضایل و مناقب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رسیده است. این رساله در هند، بیروت و مصر به چاپ رسیده و نسخه‌های متعددی از آن در کتابخانه‌های مختلف جهان یافت می‌شود.

منابع: اهل البيت في المكتبة العربية، ص ۱۰۸ - ۱۰۹؛ دليل مخطوطات السيوطی و اماکن وجودها، چاپ کویت، ص ۱۲۵؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۹۷/۱ - ۱۹۸؛ کشف الظنون، ۵۲۱/۱؛ معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت، ۲۹/۵؛ هدیه العارفين، ۵۳۷/۱.

آغاز: «بسمه الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى اخبرني شيخني شيخ الاسلام و المسلمين تقي الدين ... عن علي عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لما زوجه بفاطمة بعث معها بخميلة و وسادة».

انجام: «و مما ينسب لفاطمة من الشعر قولها ترثي أباهما عليهما السلام، آورده ابن سيد الناس في سيرته:

شمس النهار و أظلم العصران ...

اغبر آفاق السماء و كورت



یا خاتم الرسل المبارک ضواہ صلی علیک منزل الفرقان  
و الحمد لله وحده، و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم».  
نسخ، ابراهیم بن سلیمان حنفی، پنجشنبه ۸ صفر ۱۰۷۶، در دمشق، صفحات  
مجدول، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان ثبت شده است.  
۱۱ صفحه، ۲۵ سطر.

نسخه اصل: دارالکتب الظاهرية دمشق، سوریه: نسخه شماره «۵۲۹۶» (برگ ۱۰۳ تا  
۱۰۸ مجموعه).  
فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية: التاريخ و ملحقاته، خالد الریان، ۱۹۱۲/۲ - ۱۹۲؛  
فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية: المنتخب من مخطوطات الحديث، محمد ناصرالدين  
الألباني، ص ۳۱۰.



(۱۳۱۹) الجفر (= القصيدة اللامية) (علوم غریبه - عربی)

منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام  
جفر از آثار مکتوب امام علی علیه السلام به حساب آمده،<sup>۱</sup> ولی متن آن به صورت کامل  
موجود نیست و گویا بخشی از آن با مراجعه به منابع و مصادر حدیثی، قابل بازیابی  
و بازسازی باشد.<sup>۲</sup>  
در فهرست‌های نسخه‌های خطی رساله‌های فارسی و عربی متعدد و متفاوتی به  
عنوان جفر مرتضوی یا جفر امام علی علیه السلام معرفی شده است؛<sup>۳</sup> اما هنوز بررسی جامع، دقیق  
و تفصیلی درباره این‌گونه آثار انجام نگرفته است.  
در مقدمه منشور قصیده حاضر نیز چنین ادعا شده است:

«فهذه نسخة جليل القدر في علم الجفر لسيدنا الامام علي عليه السلام مستخلصاً أبياتاً من  
الجفر الجامع ليسهل مؤخذها على الطالب وقاعدة العمل بها أردت أن تسأل عن أمر فتتظر  
الى السطر الأحمر الذي في أول الصحيفة وتأخذ أعدداه و تضيف اليها بيت قطب و هذا ... ثم  
تضيف اليوم الذي اتت و هو أن تأخذ ليوم الأحد واحد و للاثنين اثنين ... و تضيف اسم

۱. اعيان الشيعة، ۵۳۹/۱؛ دائرة المعارف تشيع، ۴۰۸/۵ - ۴۰۹.

۲. ميراث حديث شيعه، ۲۳/۹ و ۱۰/۱۰.

۳. برای دستیابی به نمونه‌ای از آنها بنگرید به: معجم الآثار المخطوطة حول الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۰۱ -

السائل و تحسب الجميع و تسقط فما فضل بعد الاسقاط تنظر الى الأبيات تجد المطلوب». قصيدة لامية حاضر دارای ۳۳۶ بیت عربی است و در هر صفحه ۱۲ بیت از آن درج شده و در جدول بالای هر صفحه، مطلب و مقصد و سؤال مورد نظر ثبت شده است و با محاسبه‌ای خاص باید به بیستی که پاسخ به سؤال مذکور در آن درج شده، دست یافت. مثلاً در عنوان بالای یکی از صفحه‌ها آمده است: «اذا وضع هذا المال عند أحد يحفظ و يرجع أم لا؟»، و اشعار ذیل آن مربوط به همان موضوع است:

«و یخشی علی المال الذی قد وضعته ضیاعاً و بعد الوضع لا یتوصلا  
و لا تخشی ممّا ترک المال عنده و لیس به خوف و یرجع مقبلاً...»  
و عنوان صفحه‌ای دیگر چنین است: «هل یخلص المسجون و ینفک من سجنها أو یتول حبسه أو غیر ذلك؟».

و اشعار ذیل آن، چنین است:

«و یرج مسجون من السجن مسرعاً بحال سلیم ضاحکاً متهللاً  
یقیم قلیلاً ثم یرج مسرعاً و لیس علیه من محاق و لا قلا  
یتول علیه السجن دهر و ربّما یموت به و الحکم لله ذی العلا...»  
آغاز: «علم جفر، بسمله. حمد له. و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد و علی آله  
و صحبه أجمعین؛ أما بعد فهذه نسخة جلیلة القدر فی علم الجفر سیدنا الامام علی علیه السلام ...

هذا الانسان یتول طایعاً ناصحاً أم لا؟

۱. و لیس به نصح و ما فیہ طاعة تده علی طول المدا متقللاً  
۲. و هذا حبیب طایع لك ناصح شفق دواماً یتبغی منك منزلاً...»

انجام: «هذا الغائب یرجع من سفره غانماً أم لا؟

۱. و هذا الذی قد غاب لیس برجع من السفر المذكور الا محملاً...  
۱۲. و ما غاب غاب یا اولی الفضل راجع الیکم باذن الله حالاً معجلاً».

نستعلیق، بدون نام کاتب و بی تاریخ، تمام صفحات مجدول دوستونی، سؤالات در

بالای صفحات به شنگرف، صفحه اول سرلوح کم کاری دارد و نام رساله به عنوان

«علم الجفر» در آن به چشم می خورد.

۳۰ صفحه، ۱۳ سطر.





## (۱۳۲۰) القائمة الجديدة لمطبوعات دائرة المعارف العثمانية بحيدرآباد الهند

(فهرست - عربی)

فهرست کتابهای چاپ شده به وسیله مؤسسه دائرة المعارف عثمانی در حیدرآباد هند است. این فهرست در سال ۱۴۱۲ ق تنظیم شده و در آن ۱۵۷ عنوان کتابهای چاپی مؤسسه مذکور در موضوعات ذیل معرفی شده است: ۱. التفسیر؛ ۲. اصول الحدیث؛ ۳. الحدیث؛ ۴. الرجال و الاسانید؛ ۵. السیر و المناقب و التراجم؛ ۶. الفقه؛ ۷. الکلام و العقائد؛ ۸. التصوف و المتعلقات؛ ۹. التاریخ و جامع العلوم؛ ۱۰. الأدب و ما یتعلق به؛ ۱۱. اللغة و النحو و المعاني؛ ۱۲. الفلسفة و مابعد الطبیعیات؛ ۱۳. الرياضیات و الهیئة؛ ۱۴. الأنساب؛ ۱۵. العلوم المختلفة؛ ۱۶. الطب؛ ۱۷. المتفرقات.

این فهرست در صفحات هفت ستونی تنظیم شده که شامل اطلاعات ذیل درباره هر یک از این عنوان‌هاست: ۱. الرقم؛ ۲. اسم الكتاب؛ ۳. اسم المصنف مع سنة وفاته؛ ۴. سنة الطبع (هجری و میلادی)؛ ۵. الأجزاء؛ ۶. عدد الصفحات؛ ۷. الثمن (فلس و روپیه).  
گفتنی است در سال ۱۳۵۸ ق نیز فهرستی به زبان اردو از مطبوعات دائرة المعارف عثمانی در ۶۰ صفحه، به چاپ رسیده است.

تصویر از روی نسخه چاپی (هند ۱۴۱۳ ق) است.

۷۴ صفحه، صفحات ۷ ستونی.



(اخلاق - فارسی)

## (۱۳۲۳) تحفة الملوك

از: ابو حامد محمد بن محمد غزالی (درگذشته ۵۰۵ ق)

مؤلف در مقدمه می‌گوید: «چون همت عالی سلطان اسلام - خلد الله ملکه - از دل روشن و صفای گوهر جنان اقتضا کرد که درخواهد تا داعی کتابی کند در مقاصد مسلمانی، در بیان اعتقاد و اختلاف علما و حقیقت عبادات و شرح بعضی از قصص انبیا عليهم السلام و طرفی از هر چه به کار آید، چون عدل و خلق نیکو و آنچه بدین (?) ماند با آن دل روشن و ذهن صافی را آینه بود و به مطالعه آن صفا گوهر و نور بصیرت زیادت شود، خدای را تعالی شکر گزاریم که خلق را از نهایت رحمت چنین سلطانی و پادشاهی پاک دین نیکوسیرت ارزانی داشت و از ادعیه کریم او را اجابت کردم و از خدای معاونت خواستم و کتاب را تحفة الملوك نام نهادم و این کتاب مشتمل است بر یازده باب».

این کتاب شامل یازده باب دارای فصول ذیل است:

۱. در اعتقاد و علامتهای آن؛
۲. در اختلاف علما؛
۳. در عدل و شرایط آن؛
۴. در طهارت و آدابش؛
۵. در نماز و اسرارش؛
۶. در روزه و شرایط درستی آن؛
۷. در زکات و اسبابش؛
۸. در حج و شرایطش؛
۹. در صید و حلالش بر مذهب امام ابوحنیفه؛
۱۰. در بیان طرفی از قصص انبیا علیهم السلام و چیزی از حکایت مشایخ؛
۱۱. در حثّ بر جهاد.

چنانکه گذشت مؤلف در متن کتاب، به نام آن تصریح کرده و در صفحه عنوان نسخه حاضر، نام کتاب و مؤلف چنین ثبت شده است: «کتاب تحفة الملوک من تصنیف الشیخ الامام الأجل السید عدّة للددین حجة الاسلام سید الفریقین أبی حامد محمد بن محمد بن محمد الغزالی - قدس الله روحه و رضی عنه - برحمتک یا أرحم الراحمین».

اثر معروف غزالی در اخلاق پادشاهان به زبان فارسی، کتاب «نصیحة الملوک» است که بارها به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی آن فراوان است<sup>۱</sup> و در برخی از فهرس نسخ خطی، از آن به عنوان «تحفة الملوک» یاد شده است.<sup>۲</sup> اما نسخه حاضر با «نصیحة الملوک» مذکور تفاوت‌های بسیاری دارد، گرچه منزوی می‌گوید که نسخه‌های نصیحة الملوک با هم متفاوتند. از طرفی مرحوم دانش‌پژوه «تحفة الملوک» و «نصیحة الملوک» را، دو اثر مجزا از غزالی می‌داند.<sup>۳</sup> وی که متن «تحفة الملوک» را چاپ کرده، آن را از نوشته‌های اصیل غزالی می‌داند. در واقع سبک نوشته و شیوه بیان مطلب، درست به همان سبک و سیاق است که از غزالی می‌شناسیم. یک نشانه تاریخی در دست است که

۱. فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی: ۶۶۷/۶-۶۶۸.

۲. نک: مؤلفات الغزالی، ص ۱۸۵.

۳. فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی، ص ۱۴۰.



اهمیت خاص دارد و زمان تألیف کتاب را تصریحاً در روزگاری قرار می‌دهد که بیت‌المقدس در دست صلیبیان بوده است. در این رساله که به درخواست «سلطان اسلام» در یازده باب کوتاه نوشته شده، بابتی به جهاد اختصاص یافته است. در حالی که غزالی در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت به موضوع جهاد نپرداخته است، به‌علاوه باب مربوط به صید و شکار نیز تازه است، ولی بابهای مربوط به تکالیف دینی، چکیده‌های کوچکی هستند که محتوایشان در احیاء علوم‌الدین به تفصیل بیان شده‌اند.<sup>۱</sup>

تنها نسخه شناخته شده از این کتاب، در کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۲۹۱۰» نگهداری می‌شود. در این نسخه که به سال ۷۰۰ ق کتابت شده، به دنبال نصیحة الملوك غزالی، در برگهای ۳۱۸ تا ۳۶۵ ر، تحفة الملوك تحریر شده است.

مرحوم دانش‌پژوه از روی نسخه مذکور، متن رساله را در مجله دانشکده ادبیات مشهد (سال اول، شماره ۲-۳، تابستان و پاییز ۱۳۴۴، صص ۲۴۹-۳۰۰) به چاپ رسانده است.

به گفته دانش‌پژوه، بوئیژ و بدوی که فهرست آثار غزالی را نوشته‌اند، این رساله را نشناختند و همان نصیحة الملوك پنداشتند و نخستین بار مجتبی مینوی در مجله دانشکده ادبیات (سال هشتم، شماره سوم، ص ۱۰، سال ۱۳۴۰) ضمن معرفی مجموعه شماره «۲۹۱۰» کتابخانه ایاصوفیه، این کتاب را شناسانده است و به استناد آن، در غزالی‌نامه همایی (ص ۲۴۹) از این رساله یاد شده است.<sup>۲</sup> بدیع‌الزمان فروزانفر نیز در «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری» (ص ۳۲۹-۳۳۵) به تفصیل درباره تحفة الملوك غزالی بحث نموده و گفته است: این کتاب تنها مأخذی است که داستان شیخ صنعان را چنان که عطار در منطق‌الطیر آورده، دارد و قبل از عطار هم بوده است.

آغاز: «سپاس خدای را که این عالم متناهی اثری از قدرت بی‌نهایت اوست و ایستادن زمین و آسمان و عرش و کرسی به یمن عنایت اوست ... باب اول در اعتقاد بدانک خدای تعالی یکی است، وی را انباز نیست و یگانه است».

انجام: «فصل خلق در بند شهوات‌اند و در بند بددلی و این دو آفت بزرگ است ...

۱. اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)، شارل - هانری دوفوشه کور، ترجمه محمدعلی امیر معزی و عبدالمحمد روح‌بخشیان، ص ۵۶۱-۵۶۲.  
 ۲. مجله دانشکده ادبیات مشهد، س ۱، ش ۲-۳، ص ۲۴۹.

روزگار عزیز سلطان لیلج (؟) کناد و آفتهای روزگار بد از آن دل و جان و تن بگرداند ... ثواب آن به دیوان او می‌رسد، بمنه و کرمه و جود و مشیت و الحمد لله حق حمد و الصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین و حسبنا الله و نعم الوکیل».

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، از اوائل سده هشتم هجری، عناوین به خط درشت، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان درج شده است.  
۱۰۱ صفحه، ۱۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه ایاصوفیه در استانبول ترکیه، نسخه شماره «۲۹۱۰» رساله آخر مجموعه.  
دفتر کتابخانه ایاصوفیه، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.



(۱۳۲۴) وقف نامه ای از اصفهان<sup>۱</sup> (سند - فارسی)

از: امیر سید شجاع‌الدین محمود بن علی حسینی مرعشی (زنده ۹۸۳ ق)  
صورت وقف نامه دوازده مزرعه متعلق به سید شجاع بن علی حسینی است که در اطراف اصفهان قرار داشته و در سال ۹۸۳ ق، حاصل مزارع دوازده گانه را وقف کرده و موارد مصرف آن را مشخص نموده است. تولیت زمین‌های وقفی را برای خود قرار داده و پس از خود، به اولاد ذکورش و پس از آنان اولاد ذکور آنان الخ ... و در صورت انقطاع اولاد ذکور به اولاد اناث و در صورت انقطاع کل، تولیت را به اولاد ذکور برادرش و پس از آنان به اولاد ذکور و اناث آنان و بعد از آنان اولاد ذکور بنی عم واقف و بعد از ایشان به ارشد اصالح سادات مازندران که در اصفهان متوطن‌اند و بعد الكل به مجتهد عادل اثنا عشری و پس از او، به کسی که قائم مقام مجتهد عادل در تولی امور مسلمین باشد. جمعی از علما و شخصیت‌ها شهادت بر این وقف داده و مهر و امضا نموده‌اند که صورت مهر و امضای آنان دیده می‌شود.

در این وقف نامه حدود و ثغور مزارع دوازده گانه تعیین شده است، بخشی از این مزارع در ناحیه جرقویه واقع شده و اسامی مزارع ذیل در وقف نامه آمده است: مزرعه

۱. ظاهراً از این وقف نامه، در تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپنتا یاد نشده است.



اکبرآباد، مزرعه حسن آباد، مزرعه شجاع آباد، مزرعه محمودآباد، مزرعه محمدآباد، مزرعه نصیرآباد، مزرعه رکن آباد، مزرعه تراب آباد، مزرعه سیدآباد، مزرعه دولت آباد، مزرعه رفیع آباد، مزرعه هدایت آباد، مزرعه کوهک، مزرعه هفت چشمه، مزره سنایجان، مزرعه دهق.

موارد مصرف موقوفات مذکور چنین تعیین شده است:

اولاً، صرف تعمیر قنوات و بیوت اکره و قلعه و دهکده و مسجد و حمام مواضع مسطور شود؛ بعد از آن، آنچه بماند، منقسم به پنج قسم شود: یک خمس آن، صرف اطعام و ملبوس و مایحتاج صادرین و واردین زوار هر یک از حضرات (در عتبات عالیات).

خمس دیگر، صرف مایحتاج هر یک از عتبات عالیات و خدمه و سکنه آن عتبات شود، به هر طریق که رأی متولی اقتضا کند.

خمس دیگر، متولی صرف خود و مایحتاج خود به رسم حق التولیه نماید.

خمس دیگر، به سرکار و مشرف و ضابط محصولات و ناظر مزروعات و مستوفی موقوفات مذکوره دهد.

خمس دیگر، صرف بذر و حقوق دیوانی و مصالح زراعت مواضع مذکوره شود.

اسامی شاهدان: بهاءالدین محمد عاملی (شیخ بهایی)، محمد بن ابی الحسن حسینی، علی حسینی حایری، علی بن شمس‌الدین خادم حایری، محمد مؤمن خنجی، قاضی حسن بن احمد بابا ساکن اصفهان، علاءالدین حسینی، محمد زمان حسینی، ابن فتح‌الله شریف حسینی، اکرم حسینی، محمد بن حسین بن محمد شهیر به آقا ملاکرانی، محمد بن جعفر اندمانی، مظفرالدین بن محمود، ابوتراب بن فتح‌الله حسینی و ... .

واقف، عالم جلیل‌القدر، سید شجاع‌الدین محمود بن علی حسینی مرعشی مازندرانی، از دانشمندان بزرگ عصر صفوی، که جد سلطان العلماء سید علاءالدین حسین مرعشی بوده و شیخ اجازه حسین بن حیدر بن قمر کرکی است.

یکی از شاهدان وقف، از واقف چنین یاد کرده است: «الواقف السید السند المخدوم المطاع - أدام الله تعالى إيام سيادته و افادته و افاضته و ارشاده و هدايته و مدّ ظلّه العالی - السامی علی مفارق العباد الی یوم التناد و أنا من جمله خدامه ...».

گفتنی است در طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۰، ص ۲۴۲ و قرن ۱۱، ص ۵۵۴) شرح حال شجاع‌الدین محمود بن علی (خلیفه سلطان) حسینی مازندرانی اصفهانی، جد سلطان العلما آمده است و بار دیگر در همین کتاب (قرن ۱۰، ص ۱۰۱ و قرن ۱۱، ص ۲۵۷) از شجاع بن علی حسینی یاد شده که عالمی متکلم بوده و در ۱۰۰۳ ق کتاب «الهدی الی طریق الصواب» را تألیف کرده است.

نسخه اصلی این وقفنامه که مهر و امضای واقف و شاهدان را دارد و در نیمه صفر ۹۸۳ نوشته شده، نزد خاندان خلیفه سلطان، در اصفهان محفوظ است. تصویری از نسخه اصلی به شماره «۲۲۰»، در کتابخانه حاضر نگهداری می‌شود. نسخه جدیدی از این وقفنامه از روی نسخه اصل رونویسی شده که تصویر حاضر، از این نسخه دوم تهیه شده است.

منابع: طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۰، ص ۱۰۱، ۲۴۲ و قرن ۱۱، ص ۲۵۷، ۵۵۴؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۲۰۲/۱ - ۲۰۵.

آغاز: «الحمد لله الذي خرت له الجباه و وحدته الشفاه الخالق لما سواه و صلى الله على مصطفىاه و مرتضاه و سائر الائمة الذين هم قوام الله على خلقه و عرفائه على عباده ... وقف العبد الانس بمولاه الايس عما سواه قربة اليه تعالى و طلباً لرضاه الموقوفات المعروفات حدود كل منها و اسماءه».

انجام: «و التوكل في الكل على خالق الكل و كتب الأحرف بيده الفانية الواقف الواقف على مرتبه الدانيه الطاف السبحانية (كذا) الفقير الى الغني شجاع بن علي حسيني - عفى عنه و عن والدي - و التاريخ منتصف شهر صفر سنة ثلث و ثمانين و تسعمائة الهجرية النبوية. وقفت المواقف المذكورة و سلبت المواطن المزبورة على الوجه المسطور قربة الى الملك الغفور و انا الفقير الى الغني شجاع الحسيني».

نستعلیق، بدون نام کاتب و بی تاریخ، از روی نسخه واقف نوشته شده و صورت شهادت‌ها و مهرها ثبت شده است. این نسخه در یک ورق بلند طوماری نوشته شده و در تصویر به ۱۳ قطعه کوچک تقسیم شده و به صورت جزوه‌ای درآمده است.  
۱۳ صفحه، ۴ سطری.





(۱۳۲۵) وقف‌نامه‌ای از اصفهان

(سند - فارسی)

از: سید شجاع‌الدین محمود بن علی حسینی مرعشی (زنده ۹۸۳ ق)  
تکرار نسخه قبلی، با همان مشخصات است.



(۱۳۲۶) تفسیر آیه نور

(تفسیر عرفانی - فارسی)

از: شهاب‌الدین محمد بن موسی عراقی کمیجانی کرمانشاهی (درگذشته ۱۳۱۳ ق)  
رساله عرفانی مختصری، در بیان حقیقت نور و عینیت او با جمیع مراتب وجود است که در ضمن تفسیر آیه مبارکه نور<sup>۱</sup> شرح داده شده است.  
این رساله شامل چهار اشراق است و هر اشراق دارای چند تجلی است:  
اشراق اول: در تمهید بعضی از مقدمات، در ۲ تجلی: ۱. در بیان موافقت میان برهان و عیان؛ ۲. در بیان معنی نور و ظلمت.

اشراق دوم: در شروع نمودن به اصل مقصود، در ۳ تجلی: ۱. در تحقیق کلمه مبارکه الله لفظاً و معنی؛ ۲. در بیان حقیقت نور و عینیت او با جمیع اسماء و مراتب حضرت الوجود؛ ۳. در بیان اضافه نور به سوی سماوات و ارض.  
اشراق سوم: در بیان مثل و تحقق آن، در ۲ تجلی: ۱. در بیان فرق میان مثل با مثل؛ ۲. در تحقق مثل.

اشراق چهارم: در بیان شجره مبارکه، در ۲ تجلی: ۱. در بیان مطلبی کلی؛ ۲. در بیان اینکه شجره مبارکه بدن آدمی و صیصیه البشری است.

مؤلف با استفاده از احادیث و ادعیه مأثوره از حضرات معصومین علیهم‌السلام و اقوال مفسرین همچون مرحوم ملا محسن فیض کاشانی، تفسیری عرفانی از آیه نور ارائه داده است.  
وی چنانکه در مقدمه آورده، به دستور استادش میر محمد حسینی، مدّتی در مدرسه نوریه اصفهان توقف داشته است: «... در این مدّت کمال توغل در مسأله حقیقت نور و اطوار و تجلیات و ظهور آن به عمل آورده تا در این اوان تایید حق متعال و توفیق حضرت ذوالجلال کمیت خیال را مؤدی به این مآل نمود که انارات لمعات ظهوریه حضرت نورالانوار را در جمیع مراتب و اطوار که حقیقت الاسرار است بسطی داده و شرحی زده ...».

۱. آیه ۳۵ سوره مبارکه نور: «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ...».

مؤلف در مقدمه، شرح حال مختصری از زندگی و تحصیلاتش ارائه کرده و گفته است: «دیر زمانی عنفوان جوانی را در خدمت والد ماجد به تکمیل علوم ادبیه و تحصیل فنون قواعد مسائل دینیته مصروف می‌داشتم تا آنکه در سنهٔ سیم از تکلیف که سال شصت و سه بعد الالف و مائتین از هجرت (۱۲۶۲ ق) بود به مضمون کریمهٔ کل نفس ذائقة الموت<sup>۱</sup>، کوکب عمرش افول و اضافهٔ ملکیتش از اموال و اولاد معزول شد، عوام نادان تمنای استخلاف در ریاست و قضاوت را از این فقیر بی‌بضاعت به نهایت رسانیدند، لاجرم اجابت نموده، مدت دو سال در اشتغال آن وبال کمال ملال یافت و چون ریاست خالی از دانشمندی و کیاست را مطلوب و محبوب خویش نمی‌دید ... تا آنکه در دارالسرور بروجرد به خدمت سید کشفی - اعلی الله درجاته - رسیده، دو سال مجاور خدمتش بودم، بویی از علم حقیقت به مشام جانم رسید، آن بزرگوار عازم دار قرار گردیده ... تا آنکه بعد از نه سال که در ارض اقدس نیشابور تحصیل شد، نور آن ماه خراسان ... جناب حاجی ملاهادی سبزواری ... جذاب جان و تازگی بخش روان گردید ... تا آنکه وارد مملکت اصفهان شدم و از عنایات یزدانی و کرامات حضرت سبحانی، به خدمت مولانا کامل العادل الباذل و سیدنا العارف العالم الکافل ابوالفضایل میر محمد حسینی - حفظه الله عن کل البلیة و الشین - رسیدم ... چون آن حکیم آگاه و آن رهنمای جاهلان گمراه فی الحقیقة، بنظر بنورالله بودند، بعد از استکشاف اقامت این فقیر محلّ توقّفم را مدرسهٔ نوریه مقرر فرمودند ...».

مؤلف، سالهای آخر عمرش را در کرمانشاه سپری نموده و آثار و تألیفات متعدّدی داشته که در اثر حوادث مختلف از بین رفته و فعلاً دو رسالهٔ کوچک، از ایشان بیشتر باقی نمانده است:

۱. تفسیر آیه نور، رسالهٔ حاضر؛

۲. رسالهٔ افتتاحیه در شرح دعای افتتاح، که به نام ظلّ السلطان و معتمد السلطان حسام‌الملک حسین خان امیر تومان در سال ۱۳۰۴ ق نوشته است.

نسخه‌ای از رسالهٔ افتتاحیه به شمارهٔ «۳۸۸۲» در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم موجود است،<sup>۲</sup> و در سال ۱۳۲۴ ش به اهتمام نوهٔ مؤلف، عطاءالله شهاب‌پور - مؤسس انجمن

۱. سورهٔ آل عمران (۳)، آیهٔ ۱۸۵.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مسجد اعظم، ص ۲۸.



تبلیغات اسلامی - به عنوان شانزدهمین نشریه انجمن مذکور، در ۶۳ صفحه، در قطع جیبی، به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> نام مؤلف در نسخه چاپی مذکور چنین آمده است: «محمد بن موسی عراقی بزشلوئی ملقب به شهاب‌الدین». و در مقدمه مختصر ناشر آمده است که مرحوم عراقی از شاگردان ملاهادی سبزواری بوده و در کرمانشاه سکونت داشته است. ابیاتی از سروده‌های مؤلف در رساله مذکور آمده است.

علامه تهرانی در «نقباء البشر» مرحوم عراقی را چنین معرفی کرده است: «العالم الفاضل الكامل الشيخ شهاب‌الدین محمد بن موسی العراقی، نزیل کرمانشاه، المتوفی بها فی سنة ۱۳۱۳ هـ، جدّ عطاءالله شهاب‌پور - مؤسس انجمن تبلیغات اسلامی - هو مؤلف شرح دعاء الافتتاح المطبوع».<sup>۲</sup>

آغاز: «حمد بی حصر و عدد و ثنای خارج از حد و سد موجود ابدی الوجودی را شاید و سزد که ظهور نور باهر الحضورش را جز شدت کمال پیدایی حجاب ستر و اختفایی نبود یا من هو اختفی لفرط نوره و تهنیت و ستایش روشنی و نمایش ازلی تابشی را لایق و شایان است که در کمال تجلی جمال از مزایای جمیع عقول و ابصار پوشیده و پنهان است».

انجام: «چنانچه در مقام خود مبرهن است، از این است که فرمودند انا عبد من عبید محمد و تفصیل یهدی الله نوره من یشاء الی آخر همان تفصیل ماضیه است. اللهم اجعلنا من المهتدين برحمتك يا ارحم الراحمين».

نستعلیق شکسته، عبارات عربی نسخ و در مواردی معرب، بدون نام کاتب و بی تاریخ، از سده سیزدهم هجری، تمام صفحات مجدول به شنگرف و لاجورد، عناوین شنگرف، در آخر نسخه ابیات فارسی درباره نماز دیده می‌شود با مطلع:

معنی تکبیر این است ای امیم کای خدا پیش تو ما قربان شدیم  
۸۶ صفحه، ۱۰ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی (ره)، نسخه شماره «۱۹»، رساله اول مجموعه.

فهرست کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی، ۲۷/۱ - ۲۸.



۱. فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ۳/۳۲۲۸.

۲. نقباء البشر، بخش مخطوط، ص ۸۸؛ تراجم الرجال، ۳۰/۳.

(۱۳۲۸) اجوبة المسائل العکبرية (کلام - عربی)

از: شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (درگذشته ۴۱۳ ق)  
 پاسخ به پنجاه و یک سؤال کلامی، در زمینه معانی آیات و روایات مشکل و حوادث تاریخی است که بیشتر مربوط به نبوت و امامت و شئون آنهاست، مانند: آیه تطهیر، آیه «أخاف أن يأكله الذئب»، آیه «و النجم و الشجر يسجدان»، «شاگردی حضرت موسی نزد حضرت خضر علیه السلام»، آیه «لمن الملك اليوم»، «علت تقسیم غنائم در جنگ صفین و تقسیم نشدن در جنگ جمل»، «چرا حضرت امیر علیه السلام در زمان خلافت خود فدک را برنگرداند؟». این رساله، پاسخ به سؤالات ابواللیث حاجب بن سراج اوانی یا حاجب ابوليث ابن سراج است و نجاشی با عنوان «جوابات أبي الليث الأواني» و شیخ آقا بزرگ تهرانی با عناوین «المسائل العکبرية؛ جوابات أبي الليث الأواني؛ جوابات المسائل العکبرية؛ المسائل الحاجبية؛ جوابات الاحدى و الخمسين مسألة؛ الأسئلة الحاجبية؛ الحاجبية» و علامه مجلسی با عنوان «العکبرية؛ أجوبة المسائل الاحدى و الخمسين»، از آن یاد کرده‌اند.

مرحوم استاد سید عبدالعزیز طباطبایی، هفده نسخه خطی از این رساله را معرفی کرده است. نخستین بار در سال ۱۳۷۰ ق در نجف اشرف به چاپ رسیده و پس از آن در سال ۱۴۱۲ ق در بیروت، ضمن مجله مشرق، چاپ شده و در سال ۱۴۱۳ ق با تحقیق شیخ علی اکبر الهی خراسانی، در کنگره شیخ مفید، به چاپ رسیده است.

منابع: التراث العربی، ۱۰/۲؛ الذریعة، ۸۱/۲، ۹۰ و ۱۹۸/۵، ۲۱۹، ۲۲۸ و ۵/۶ و ۳۴۳/۲۰، ۳۵۸؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد، ص ۳۲ - ۳۵؛ فهرست آثار خطی شیخ مفید در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۷ - ۲۹؛ معجم التراث الکلامی، ۱/۱۸۰ - ۱۸۱.  
 آغاز: «بسمله. الحمد لله الذي يؤيد بالتوفيق من يتمم هداه و يخذل من [عند عن] سبيله و أتبع هواه».

انجام: «و فيما أثبتته في ذلك المكان بلاغ و اقتناع لمن تأمله بعين الانصاف و الله الموفق و المعين و هو حسبنا و نعم الوكيل».

نسخ، مهدی بن علیرضا قمی، روز پنجم از هفته دوم ماه دهم (شوال) ۱۳۱۹، در نجف اشرف، نشانی‌ها مشکئی، کاتب در اول نسخه نوشته است: «وقد كتب الكتاب من النسخة التي كلها مغلوطة من غير تصرف فيها»، نام کتاب و مؤلف در آغاز چنین



درج شده است: «المسائل العکبرية للشيخ المفيد (ره)»، در صفحه ۳۲ حاشیه‌ای با امضای «لمحرره» دیده می‌شود.  
۶۰ صفحه، ۱۶ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران، نسخه شماره «۶۲۸۵» رساله ششم مجموعه.  
فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم، دانش پژوه، ص ۲۲۸.



(۱۳۲۹) الاثنا عشرية في الصوم (فقه شیعه - عربی)

از: شیخ بهایی بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (درگذشته ۱۰۳۰ ق)  
شیخ بهایی پنج رساله فقهی در احکام طهارت، صلات، صوم، زکات، خمس و حج تألیف کرد که چون اغلب آنها مشتمل بر دوازده فصل و مطلب است، به «اثنا عشریه» معروف گردیده است و مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و شروح و حواشی بر آن نگاشته‌اند و ترجمه‌هایی به زبان فارسی دارد.  
رساله حاضر یکی از رسائل پنج‌گانه اوست که به احکام روزه اختصاص دارد. در هشت فصل و هر فصلی در دوازده موضوع بحث می‌کند و در آخر خاتمه‌ای پیرامون دوازده مزیت از مزایای ماه مبارک رمضان دارد که در قرآن و احادیث آمده است.  
تألیف این رساله در ۱۰۱۹ ق به اتمام رسیده و نقل آن به بیاض در سال ۱۰۲۰ ق انجام گرفته است. مؤلف در ابتدا تصریح می‌کند که این رساله را، پس از فراغت از تألیف رساله صلاتیه و رساله حجیه می‌نگارد.

ده‌ها نسخه خطی از این رساله، در کتابخانه‌های مختلف ایران شناخته شده است؛ و اخیراً ضمن اثنا عشریات شیخ بهایی به چاپ رسیده است.

منابع: التراث العربی، ۵۶/۱ - ۵۷؛ الذریعة، ۱۱۳/۱، ۱۱۷؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم، ۲۱/۱؛ فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، ۶/۲۱ - ۲۳؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

آغاز: «الحمد لله الذي جعل الصوم جنة من النار والصلوة على أشرف الخلائق محمد وآله الأطهار».

انجام: «الثانية عشر ان ثواب تلاوة آية واحدة فيه كثواب ختم القرآن في غيره».

نسخ، محمد بن یحیی حسینی ندیدی، سده یازدهم هجری، عناوین سنگرف، در حاشیه تصحیح شده و حواشی به لفظ «منه سلمه الله» و «منه رحمه الله» و حواشی برگرفته از کتابهای فقهی همچون لمعه و غیر آن دارد، در آخر نسخه صفحه ای از صیغ العقود و الایقات محقق کرکی دیده می شود و در اول نسخه دعای درد دندان درج شده است، صفحات کتاب در این نسخه تصویری جابجا شده است.

۷۰ صفحه، ۹ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره)، نسخه شماره «۲۲» رساله سوم مجموعه.

فهرست، ۳۳/۱ - ۳۴.



### (۱۳۳۱) تفسیر الحبري (= ما نزل من القرآن في علي عليه السلام)

(تفسیر روایی، مناقب معصومین علیه السلام - عربی)

از: حسین بن حکم حبری و شاء کوفی زیدی (درگذشته ۲۸۶ ق)  
ابوعبدالله حسین بن حکم بن مسلم کوفی و شاء شیعی زیدی از محدثان و مفسران سده سوم هجری است که از محضر اساتید بزرگ عصر خویش استفاده کرد و از بسیاری از مشایخ، حدیث شنید و راویان فراوانی از او روایت کرده اند.

سه کتاب به وی منسوب شده: ۱. المسند؛ ۲. تفسیر الحبري؛ ۳. ما نزل من القرآن في علي عليه السلام.<sup>۱</sup>  
مجموع روایاتی که از حبری اکنون در دست می باشد، ۱۶۱ روایت است، که ۱۰۰ روایت از آنها مربوط به تفسیر آیات است و در «تفسیر الحبري» به چاپ رسیده است<sup>۲</sup> و ۶۱ حدیث در تاریخ و فضایل اهل بیت علیه السلام و جز آن است که تحت عنوان «المسند الحبري» در مجله تراثا به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

دو نسخه موجود از تفسیر حبری به روایت ابوعبیدالله محمد بن عمران مرزبانی<sup>۴</sup>

۱. استاد جلالی بر این باور است که «تفسیر الحبري» و «ما نزل من القرآن في علي عليه السلام»، دو عنوان برای یک کتاب است.

۲. تفسیر الحبري، جمعه المحدث المفسر ابوعبدالله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، تحقیق: سید محمدرضا الحسینی الجلالی، بیروت مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۳. تراثا، ش ۳۲ و ۳۳، ص ۲۷۵ - ۳۸۵.

۴. نک: اهل البيت في المكتبة العربية، ص ۴۴۸ - ۴۴۹؛ فهرس التراث، ۴۲۹/۱ - ۴۳۰.



(۲۹۷ - ۳۸۴ ق) از ابوالحسن علی بن محمد بن عبید حافظ از حسین بن حکم حبری است و از آغاز قرآن تا پایان سوره بینه را دربردارد و شامل ۷۱ حدیث است. این رساله، حاوی روایت‌هایی پیرامون آیاتی از سوره‌های بقره، آل عمران، حج، نمل، سجده، احزاب، مریم، صافات، ص، زمر، مؤمنون، جائیه، مجادله، صف، تحریم، دهر، مطفین و بینه است که در شأن امام علی علیه السلام نازل شده‌اند.

استاد سید محمدرضا حسینی جلالی با استفاده از نسخه‌های موجود، تفسیر حبری را تصحیح نموده و با مقدمه‌ای عالمانه و مبسوط آن را به چاپ رسانده است. مصحح با رجوع به منابع، ۲۹ حدیث تفسیری دیگر را که از حبری نقل شده، در خاتمه تفسیر حبری به عنوان «المستدرک» آورده است.

درباره این کتاب و مؤلف آن بحث‌های فراوانی مطرح است که استاد جلالی در مقدمه تفسیر و مقدمه مسند، حق مطلب را ادا کرده است و این مختصر گنجایش تفصیل آن را ندارد. خصوصیات دو نسخه موجود از «تفسیر الحبری» در مقدمه تحقیق تفسیر آمده است،<sup>۱</sup> اجمال آن چنین است:

۱. نسخه شماره ۴۰۱ کتابخانه مجلس سنا، به خط یاقوت مستعصمی، مورخه ۶۰۶ ق (یا ۷۰۶ ق)؟<sup>۲</sup>

۲. نسخه شماره «۳۱۵۴» آکادمی علوم شرقی تاشکند، به خط محمد بن حسن ابن نعام، مورخه ۶ شوال ۶۶۱،<sup>۳</sup> که تصویر حاضر از این نسخه تهیه شده است. این رساله بار دیگر در سال ۱۳۷۸ ش، به کوشش آقای علی اوجبی، با استفاده از نسخه کتابخانه مجلس سنا به نام «ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام» به روایت ابوعبیدالله محمد بن عمران مرزبانی، به چاپ رسیده است. گویا جناب اوجبی از تحقیق استاد جلالی بی اطلاع بوده‌اند؟!

منابع: اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۳۶۹ - ۳۷۰؛ اهل البيت في المكتبة العربية، ص ۴۴۶ - ۴۴۹؛

۱. تفسیر الحبری، ص ۱۶۵ - ۱۷۹.

۲. فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس سنا، ۲۴۲/۱ - ۲۴۳. در فهرست به عنوان «ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین وصی الرسول بروایة ابی عبدالله محمد بن عمران بن موسی المرزبانی...» معرفی شده است.

۳. المنقذ من مخطوطات معهد البيروني للدراسات الشرقية بطشقند، ص ۴۶. در فهرست به عنوان: «تنزیل الآیات المنزلة فی مناقب أهل البيت، للمرزبان محمد بن عمران بن موسی (ت ۳۸۴ ق)»، معرفی شده است.

تفسیر الحبري، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، مقدمه تحقیق؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱/۶۹۴ - ۶۹۵؛ فہرس التراث، ۱/۲۹۸ - ۲۹۹؛ «فہرست نسخہ‌های عکسی و میکروفیلیم‌های کتابخانہ محقق طباطبائی»، چاپ شدہ در المحقق الطباطبائي في ذکراه السنویہ الأولى، ۳/۱۴۸۰؛ «مسند الحبري»، استخراج سید محمدرضا حسینی جلالی، چاپ شدہ در مجلہ تراثنا، ش ۳۲ - ۳۳، ص ۲۷۵ - ۳۸۵؛ معجم الآثار المخطوطة حول الامام علي بن ابي طالب، ص ۲۹۰.

آغاز: «بسمله حدّثنا ابو عبیداللہ بن محمّد بن عمران المرزباني، قال حدّثنا ابو الحسن علي بن محمد بن عبید الحافظ قراءةً عليه في باب منزله في قطعية جعفر يوم الأحد لليلتين بقيتا من ذي الحجّة سنة ثمان و عشرين و ثلثمائة، قال حدّثني الحسين بن الحكم الحبري الكوفي، قال حدّثنا حسن بن حسين، قال حدّثنا عيسى بن عبد الله، عن أبيه، عن جدّه، قال كان سلمان يقول يا معشر المؤمنین تعاهدوا ما في قلوبكم لعليّ - صلوات الله عليه - فاني ما كنت عند رسول الله ﷺ قطّ فطلع عليّ الا ضرب النبي ﷺ بين كتفي، ثم قال يا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون. ما نزل من القرآن في علي ﷺ، حدّثنا علي بن محمد، قال حدّثني الحسين بن الحكم الحبري».

انجام: «سورة لم يكن، حدّثنا علي بن محمد، قال حدّثني الحبري، قال حدّثنا حسن بن حسين، قال حدّثنا حبان عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس: «انّ الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية» في عليّ ﷺ و شيعة. آخر التنزيل بجمع الحبري و الحمد لله رب العالمين و صلواته على سيّدنا محمد النبي بأله الطاهرين و سلّم تسليمًا كثيرًا».

نسخ معرب، محمد بن حسن بن نعايم (كذا)، ۶ شوال ۶۶۱، عناوين به خط درشت، از روی نسخہ ابن هلال، کاتب معروف به «ابن بواب» که در خزانه مستنصریه بوده استنساخ شدہ است؛ چنانکہ کاتب در انجام آورده است: «هذه النسخة نُقلت من الخزانة الشريفة المستنصرية من نسخة بخطّ ابن هلال الكاتب المعروف بـ «ابن البواب»، رحمه الله. فرغ من نسخها العبد الفقير الى الله محمد بن الحسن ابن النعايم، يوم السادس من شوال سنة احدى و ستين و ستمائة».

۶۳ صفحہ، ۸ سطری.

نسخه اصل: آکادمی علوم شرقی تاشکند در ازبکستان، نسخہ شماره «۳۱۵۴».

المنتقى من مخطوطات المعهد البيروني للدراسات الشرقية بطشقند، ص ۴۶.



والفصل في بيان فضائله

الاما ربه الله عز وجل

عز الله والله بصير بالعباد

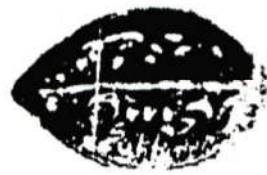
رسا اما انما فاعفوا لنا

النار في علي وحضرة وعبيد

مع الوالدع ابنانا وابناكم

وانفستنا وانفستكم

لعه الله علي الغا دبين رلت في رسول



الامام الحسين بن علي بن ابي طالب

ومزنته في كل العمل

حدثنا علي بن محمد قال

الحكم الحميري قال حدثنا حسن بن حسين

قال حدثنا حماد بن عمار عن الصليبي عن ابي صالح

عن يزيد بن عمار قال هل ابيكم اخذ منكم

تفسير الحميري، ش، ۱۳۳۱،

(۱۳۳۲) الذخر فی علم الأصول

(اصول فقه - عربی)

از: سید احمد بن محمد بن حمزه موسوی نجفی اردبیلی (زنده ۱۴۰۷ ق)  
مؤلف از دانش‌آموختگان حوزه علمیة نجف است که اخیراً در تهران اقامت داشته است و با اینکه از معاصرین است؛ ولی اطلاعاتی از شرح حال و آثارش به دست نیامد.  
الذخر فی علم الأصول یا الذخر فی أصول العملية کتاب نسبتاً مفصّلی در اصول فقه است که مباحث اصول عملیه را به صورت استدلالی، در چند جلد در بر دارد. بحث «استصحاب» از این کتاب، در سال ۱۳۶۵ ش در قم به چاپ رسیده است. این بخش شامل ۳۱۲ صفحه و زیری است.

نسخه حاضر مباحث «قطع و ظن» را دربردارد. این نسخه به خط مؤلف است و تصحیحات و اضافاتی از او دارد. در موسوعة مؤلفی الامامیه، تعداد مجلدات چاپی الذخر فی علم الأصول، ۳ جلد دانسته شده<sup>۱</sup> و در معجم المطبوعات العربیة فی ایران، مجلدات کتاب ۲ جلد معرفی شده است؛<sup>۲</sup> ولی تنها جلد مربوط به استصحاب در مخزن کتب چاپی کتابخانه حاضر موجود است، و دانسته نیست که بحث «قطع و ظن» کتاب نیز به چاپ رسیده یا خیر؟  
آغاز نسخه: «علم الأصول، هذا الكتاب الذخر فی أصول العملية، حسبنا الله و نعم الوکیل، نعم المولی و نعم النصیر. بسم الله الرحمن الرحیم اعلم انّ المکلف اذا التفت الی حکم شرعی، اما ان ینکون له حالة القطع و حصوله أو الظن أو الشک مع قطع النظر عن جعل الشارع فلا یرد ما ذهب الیه فی الکفایة».

انجام نسخه: «والتحقیق هو انه ان کانت الزیادة راجعة الی العدد فتطل و ان کانت راجعة الی صرف الوجود فهی ان کانت الزیادة راجعة الی صرف الوجود، فهی ان کانت عرضیة لا تطیل، و ان کانت طولیة فیؤخذ بشرط لا و تبطل. و هذا تمام الکلام فی المقام بید الأحقر السید احمد النجفی».

نسخ، به خط مؤلف، سده چهاردهم هجری، نشانیها مشکى، در حاشیه تصحیح شده و متن خط خوردگی دارد.  
۳۳۱ صفحه، ۱۸ سطری.



۱. موسوعة مؤلفی الامامیه، ۲۰۷/۵.

۲. معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ۱۸۴.



## (۱۳۳۳) الناسخ و المنسوخ

(علوم قرآن - عربی)

از: کمال‌الدین عبدالرحمان بن محمد بن ابراهیم عتایقی حلی (درگذشته بعد از ۷۸۸ ق) ابن عتایقی دانشمند و مؤلف شیعی است که از جزئیات زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست؛ لیکن آثار او که بین سالهای ۷۳۲ تا ۷۸۸ ق تألیف شده، حدود زمان زندگی او را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> تولد وی در عتائق (روستایی در شرق حله) موجب شهرت وی به ابن عتایقی شده است. وی از شاگردان علامه حلی (درگذشته ۷۲۶ ق) و شهید اول (درگذشته ۷۸۶ ق) بوده و آثاری متعددی، در زمینه‌های گوناگون، نگاشته است. حدود ۳۰ اثر از تألیفات ابن عتایقی در کتابخانه روضه حیدریه نگهداری می‌شود که ۱۲ اثر از آنها به خط خود اوست.<sup>۲</sup> بیشتر آثار وی، شروحنی است که بر تألیفات دیگران نوشته یا آنها را مختصر کرده است. مشهورترین اثر او، شرح نهج البلاغه است که نسخه‌هایی از آن باقی مانده است.<sup>۳</sup>

تنها اثر چاپی وی کتاب الناسخ و المنسوخ است که در ۱۹۷۰ میلادی در نجف، به کوشش عبدالهادی فضلی، به چاپ رسیده است. ابن عتایقی در این کتاب، ضمن بیان معنای نسخ و انواع آن، به بررسی آیات منسوخ پرداخته و آیات ناسخ و منسوخ را به ترتیب سوره‌های قرآن گرد آورده و در برخی از گفته‌ها اظهار نظر می‌کند.

عبدالهادی فضلی در مقدمه تصحیح این رساله (ص ۹) می‌نویسد: «ان العتائقي في كتابه هذا متأثر الى حد بكتاب الناسخ و المنسوخ لابن سلامة (متوفى ۴۱۰ هـ) في المنهج و التبويب و المادة و التعبير أحياناً - و ذلك لأنه جمع - إلا ما خالف فيه رأياً و اجتهاداً». مؤلف، تألیف این رساله را در سال ۷۶۰ ق به انجام رسانده است و نسخه‌های خطی متعددی از آن، در کتابخانه‌های ایران و عراق موجود است، از جمله سه نسخه به شماره‌های «۲۲۵۵» و «۸۳۲۱» و «۹۴۱۵» در کتابخانه حاضر موجود است<sup>۴</sup> که نسخه شماره «۸۳۲۱» در فهرست، (۲۸۵/۲۱) به اشتباه از عبدالرحمان بن محمد الصائفي

۱. عبدالهادی فضلی در مقدمه تصحیح الناسخ و المنسوخ، تولد ابن عتایقی را در سال ۶۹۹ ق دانسته است.  
 ۲. نک: فهرست مخطوطات خزانه الروضة الحیدریة، سید احمد حسینی، نجف، ۱۳۹۱ ق، صفحات مختلف؛ و مقدمه عبدالهادی فضلی بر الناسخ و المنسوخ، ص ۱۳-۱۵.  
 ۳. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره پیاپی ۲۵-۲۶، ص ۹۴-۹۸.  
 ۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره)، ۲۳۹/۶ و ۲۸۵/۲۱ و ۱۸۷/۲۴.

(قرن ۱۳ هـ) معرفی شده است!

منابع: اعیان الشیعة، ۴۶۵/۷؛ التراث العربی، ۳۳۱/۵ - ۳۳۲؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، مدخل کتابشناسی ناسخ و منسوخ، ۱۸۵۲/۲ - ۱۸۶۲؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۱۰/۴ - ۲۱۱؛ الذریعة، ۱۱/۲۴ - ۱۲؛ مقدمه عبدالهادی فضلی بر تصحیح الناسخ و المنسوخ ابن العتایقی.

آغاز: «بسنمله و به نستعین و قل ربّ زدنی علماً الحمد لله مکافاة لفضاله و صلواته علی محمد و آله و هذه رسالة في علم الناسخ و المنسوخ فان ذلك اول ما نحب ان نبدا به من علومه القرآن، فقد روي عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه دخل مسجد الكوفة». انجم: «سورة النصر الى آخر القرآن ليس فيها ناسخ و لا منسوخ فهذا ما أردنا ذكره. فرغ من تسويدها جامعها عبدالرحمان بن محمد العتایقی و ذلك سنة ستين و سبعمائة هجرية، تمت الرسالة الناسخ و المنسوخ بعون الملك المعبود».

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، گویا از سده دهم هجری، عناوین و نشانی ها در نسخه اصل به شنگرف، این رساله در ضمن مجموعه ای بوده شامل دو رساله دیگر بنامهای «جواهر الکلمات فی صیغ العقود و الايقاعات»، از شیخ مفلح صیمری، کتابت شده در ۲۴ شوال ۹۸۰ و «فتح الابواب فی الاستخارات»، از سید بن طاووس، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی در ابتدای نسخه تصویر حاضری نوشته است: «مصورة عن المجموعة المخطوطة الموجودة في مكتبة آية الله المرعشي في قم، رقم «۲۲۵۵»، ذكرت في فهرس المكتبة، ۲۳۹/۶ و الكتاب الاول طبع في النجف الاشرف علی هذه النسخة. عبدالعزیز الطباطبائي، ۱۴ شهر رمضان ۱۴۰۵»، چنانکه استاد طباطبایی فرموده است عبدالهادی فضلی با استفاده از نسخه حاضر، رساله ناسخ و منسوخ را تصحیح کرده و به چاپ رسانده است، ولی مصحح این نسخه را به خط مؤلف پنداشته است.

۲۹ صفحه، ۱۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، نسخه شماره «۲۲۵۵»، رساله اول مجموعه.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۲۳۹/۶ - ۲۴۰.





## (۱۳۳۵) تذکرة الاحوال (= سوانح عمری) (تاریخ - فارسی)

از: حزین لاهیجی، محمد علی بن ابوطالب گیلانی (درگذشته ۱۱۸۰ ق)  
 سرگذشت خودنوشت حزین لاهیجی است از تولد در ۱۱۰۳ ق تا سال نگارش ۱۱۵۴ ق.  
 بیشتر درباره زندگی او در ایران و تحولات ایران در آن روزگار است که از این رهگذر بسیار  
 ارزشمند است و خود بدان نامی نداده است، لذا در منابع، فهرست‌نامه‌ها، نسخه‌های خطی  
 و چاپی، نام کتاب به عناوین مختلف درج شده است، همچون: تذکرة الاحوال، تاریخ حزین،  
 سوانح عمری، تذکرة محمد علی حزین، حالات شیخ علی حزین، سفرنامه حزین، سفینه حزین و ...<sup>۱</sup>  
 مؤلف ابتدا از اجداد و پدر خویش سخن گفته و به تاریخ ولادتش اشاره کرده و پس از  
 آن توصیفی از دارالسلطنه اصفهان ارائه داده و شمه‌ای از محاسن آن دیار را برشمرده  
 و سپس سفرش به گیلان را متذکر شده و شمه‌ای از احوال آن سامان را بیان کرده است.  
 پس از آن افاضل اساتید ساکن در اصفهان و شیراز را معرفی نموده است.  
 مؤلف گزارشی از سفرهایش به مناطق و شهرهای مختلف ایران همچون گیلان،  
 شیراز، یزد، جهرم، خرم‌آباد، همدان و بندرعباس را ارائه کرده است. به علاوه، از سفرش  
 به دیار هند نیز یاد کرده است.

گزارشهای تاریخی مهمی درباره اواخر سلطنت صفویه، حمله افغانه به اصفهان  
 و سلطنت نادرشاه، در این تذکره دیده می‌شود.

چنانکه اسامی و شرح حال ده‌ها تن از علما، شعرا و سیاستمداران ایران در عصر  
 مؤلف، در این تذکره آمده است. نسخه‌های خطی بسیاری از تذکرة الاحوال، در  
 کتابخانه‌های ایران و کشورهای دیگر موجود است.<sup>۲</sup>

این کتاب با عنوان «تاریخ حزین» و «سفرنامه حزین» در تهران، اصفهان، لندن و هند  
 به چاپ رسیده است، خصوصیات ده چاپ از آن، در کتابشناسی حزین آمده است. از جمله:

۱. اصفهان، انتشارات تأیید، چاپ سوم، ۱۳۳۲ ش، قطع رقعی، ۱۴۰ صفحه.

۲. لندن، ۱۸۳۱ م، قطع وزیری، ۲۸۹ صفحه.

منزوی دو ترجمه انگلیسی از تذکرة الاحوال را در فهرستواره کتابهای فارسی، نشان  
 داده است.

۱. نک: فهرستواره کتابهای فارسی، ۹۲۳/۲ و ۱۸۶۵/۳ - ۱۸۶۶.

۲. نک: همان؛ کتابشناسی حزین لاهیجی، ص ۳۹ - ۴۱.

منابع: الذریعة، ۲۵۴/۱۲؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۳۴۹/۱ - ۳۵۹؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره)، ۴۷/۲۰ - ۴۸؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ۱۰۷۱/۱ - ۱۰۷۲؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ۹۲۳/۲ و ۱۸۶۵/۳ - ۱۸۶۶؛ کتابشناسی حزین لاهیجی، ص ۳۹ - ۴۱، ۷۲.

آغاز: «بسمله. نحمده و نسأله التقی و نعتصم بعروة الوثقی و نصلی علی سیدنا المصطفی و آله اعلام الهدی

یارای زبان کو که ثنای تو کنیم      توصیف کمال کبریای تو کنیم  
چیزی به بساط ما تهی‌دستان نیست      جانی که تو داده‌ای فدای تو کنیم  
چون انسان را بهین ثمره و گزین سرمایه در کارگاه آفرینش تحصیل عبرت است و از این است که گروهی از دانشمندان و قدر وقت‌شناسان بتدوین کتب تواریخ و تحریر احوال هر بد و نیک پرداخته، برخی از روزگار خود را در آن کار بی پایان برده‌اند.

انجام: «مجملاً از حین ورود به شاهجان‌آباد تا حال تحریر که آخر سال اربع و خمسین و مائة بعد الألف است، سه سال و کسری گذشته که در این بلده اوقات بسر رفته ... و چون نه در آمدن اختیاری بود و نه در رفتن چندی بخونین جگری ساختم.

برخیز حزین از سر دنیا برخیز      زین کهنه دمن تو ای مسیحا برخیز  
تنها تو در این انجمنی بیگانه      برخیز از این میانه تنها برخیز  
نسأل الغفران و أن یبدل بالفرح الأحزان، انه جواد کریم».

نستعلیق، جعفر علی؟، بدون تاریخ، از سده دوازدهم هجری، نشانیها سنگرف، در آخر نسخه ۶ بیت شعر فارسی (بیت‌های نخستین منظومه‌ای در تجوید از سید علی خادم القراء؟) با سرآغاز:

بعد حمد خدای بدر و حنین بعد نعت رسول جد حسین  
نام کتاب در صفحه عنوان «تذکره شیخ علی حزین» درج شده است، در اول نسخه مهر مربعی و مهر مضلع ناخوانا دیده می‌شود و در آخر نسخه مهر کروی بزرگ که در آن نام «سید علی رضوی مستجاب الدعوات»، مشهود است.  
۳۱۲ صفحه، ۹ سطری.

این نسخه عکسی از کتابخانه دانشگاه تهران تهیه شده است.





(۱۳۳۶) سياسة الملوك

(سیاست - عربی)

از: ناشناخته

تکرار نسخه عکسی شماره «۱۰۵۲» است با همان خصوصیات.



(۱۳۳۸) رسالة في القدر

(عقاید اهل سنت - عربی)

از: ابوسعید حسن بن ابی‌الحسن یسار بصری (درگذشته ۱۱۰ ق)

ابوسعید حسن بصری دانشمند صوفی و از تابعین نامدار که جمع کثیری از صحابیان را درک نموده و از آنان روایت کرده است. پدر وی برده‌ای از اهالی میسان (شهرکی در پایین بصره) بود که در طی فتوحات به مدینه آورده شده بود و مادرش خبره کنیز ام‌سلمه همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. حسن در سال ۲۱ ق، در مدینه زاده شد و در وادی القری رشد یافت و سپس به بصره رفت. از شعبی (درگذشته ۱۰۴ ق) و ابن‌سیرین (درگذشته ۱۱۰ ق) و فقیهان و مفسران دیگر دانش آموخت، ولی بخش اعظم روایات او از انس بن مالک بود. عمر بن عبدالعزیز (جلوس ۹۹ - ۱۰۱) او را بزرگ می‌داشت، معتزلیان و سنیان او را از خود می‌شمارند. واصل بن عطا و عمرو بن عبید، دو مؤسس معتزله از شاگردان او بودند. تألیفاتی به وی نسبت داده‌اند، پندها، اندرزها و سخنان شیوایی از او در کتابها دیده می‌شود. وی در سال ۱۱۰ ق در بصره درگذشت. کتابهایی در اخبار و احوال او نگاشته شده، از جمله: فضائل الحسن البصری، از ابوالفرج عبدالرحمان بن الجوزی (درگذشته ۵۹۷ ق)؛ اخبار الحسن البصری، از عبدالغنی مقدسی (درگذشته ۶۰۰ ق) و ...

رسالة حاضر، نامه‌ای است از حسن بصری به امام حسن بن علی علیه السلام و پاسخ امام بدو درباره قدر و سرنوشت، و سپس نامه همو به عبدالملک بن مروان (جلوس ۶۵ - ۸۶ ق) در پاسخ نامه وی، که بدو نوشته بود: «درباره قدر سخنی از تو شنیده‌ایم که گذشتگان و یاران پیامبر نگفته‌اند؛ و امیر مؤمنان، از تو دیندار و فقیه چنین گفتاری را دور می‌بیند. خود چنین می‌گویی یا از یاران پیامبر آموختی و یا از قرآن گرفتی؟! ما تاکنون چنین سخنی نشنیده‌ایم! باید چگونگی را برای ما بنویسی». بصری در آغاز می‌خواهد که او از فرمانبران خدا باشد و سپس درباره قدر و آزادی خواست مردمی سخن می‌راند و از آیت‌های قرآن گواه می‌آورد که بدی از بندگان است و خدای دادگر و مردم در گرو کردار خویش می‌باشند.

مرحوم دانش‌پژوه این رساله را به عنوان «رسالة في القضاء والقدر» معرفی کرده،<sup>۱</sup> ولی سزگین از آن به عنوان «رسالة في القدر» یاد کرده است.<sup>۲</sup>

نسخه‌هایی از این رساله در کتابخانه‌های ترکیه همچون ایاصوفیه، کوپریلی و سلیم‌آغا نگهداری می‌شود و نسخه‌ای کهن نیز در دانشگاه تهران دارد که تصویر حاضر از آن گرفته شده است.

هم‌چنین بنگرید به رسالهٔ دوم از مجموعهٔ ابن العودی در فهرست حاضر به شمارهٔ ۱۱۰۴. منابع: تاریخ نگارش‌های عربی، ۱/۸۶۳-۸۶۷؛ فهرست کتابخانهٔ اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانهٔ دانشگاه تهران، ۳/۳۱۶-۳۱۸.

آغاز: «بسمله و به نستعین. قيل كتب الحسن البصري -رحمة الله عليه- الى الامام أبي محمد الحسن بن علي -صلوات الله عليه- يابن رسول الله ان الله جعلكم السفن الجارية في اللجج الغامرة يلتجى اليكم اللاجي و يقتدي بحبلکم ... فكتب اليه الحسن عليه السلام: من الحسن بن علي الى الحسن البصري، أما بعد فإنه من لم يؤمن بالقدر خيره و شره و حلوه و مره من الله فقد كفر ... و قيل كتب عبدالملك بن مروان الى حسن ابن أبي الحسن البصري -رحمة الله عليه- من عبدالملك أمير المؤمنين الى حسن بن أبي الحسن، سلام عليكم، أما بعد فإني أحمد اليك الله الذي لا اله الا هو».

انجام: «و قال الجاهلون بل الله زين لهم ذلك و زينة لشركائهم ليردوهم و ليلبسوا عليهم دينهم و قال الهدهد الذي أنطق الله بالصواب وجدتها».

نسخ، سید حیدر آملی، سدهٔ هشتم هجری، در حاشیه تصحیح شده است. این رساله جزو مجموعه‌ای است به خط سید حیدر آملی، برگ ۱۷۳ پ- ۱۸۶ پ، نام رساله و مؤلف آن در صفحهٔ عنوان چنین آمده است: «رسالة القضاء والقدر، من تألیفات الشيخ الكامل الحسن البصري -رحمة الله عليه-». ۲۷ صفحه، ۱۶ سطری.

نسخهٔ اصل: کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، نسخهٔ شمارهٔ «۱۰۲۲»، رسالهٔ یازدهم مجموعه.

فهرست کتابخانهٔ اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانهٔ دانشگاه تهران، ۳/۳۱۶-۳۱۸.

۱. فهرست دانشگاه تهران، ۳/۳۱۶-۳۱۸.

۲. تاریخ نگارش‌های عربی، ۱/۸۶۴.



سأله عليكم ابا عبد فانما هذا الكلام الذي لا اله الا هو واسمه  
 ان يصلي على عبده محمد ونسله. وقد بلغ امر المؤمنين سكر فارتفع وصف  
 القدر لم يبلغ من احد من معصي ولا فعل تكلم به احد من الصابة رضي  
 الله عنهم الذي بلغ امر المؤمنين سخا كان امر المؤمنين يعلم من صفاته  
 ما حاله وفضل من دينك ورواية للفقهاء وطلبنا له عرضا عليه ثم نكروا  
 امر المؤمنين هذا القول انه موقوف فكاتب الى امر المؤمنين فذهبوا  
 به تاخذ عن ابي بصير سور الله صلى الله عليه وسلم ام عن رايه  
 امر المؤمنين يعرف نصدقة في القرآن فان لم تضع وهذا الكلام مما لا  
 ولا نطقا فبلك فحصل له امر المؤمنين راكبة في ذلك اوصى والد الله عليه  
 وروى الله وبركاته فكتب اليه الحسن البصري  
 بعد ان علمه عنه الحسن البصري  
 لعبد الملك امر المؤمنين حسن بن ابي الحسن البصري سلام عليكم  
 يا امر المؤمنين فاني اهدى اليك الدر الذي لا اله الا هو ابا عبد صلى الله  
 امر المؤمنين وجعلته من ذرية الذين يهلون بظاهه الله وجعلون  
 رضوانه وسادون تايها فيهم فان امر المؤمنين صلى الله عليه وسلم  
 فلهذا كثير مشوا من اهل الجور مندورا بهم وصفتوا بغيره فكتب

رسالة القدر. حسن بصري. به خط سيد حيدر آملی. ش. ۱۳۳۸.

فك كتب الحسن البصري بعد ان علمه الى الامام اني محمد الحسن بن علي  
 هارون بن عليهما يابن رسول الله ان الله جعلكم الشفق ايجاد في الدنيا  
 الغامرة بل ينجي الكتم الذي ويقتدي خيلكم التنا من انما قد يك احدنا  
 ومن تكتب عنكم حكاه ونوى فان الناس قد اختلفوا في القدر فان لا يش  
 ان تكتب النعمة القاة انه عليكم اهل البيت فافضلوا في العلم فكتب  
 اليه الحسن بن علي الم من الحسين بن علي الى الحسن البصري انا ابو عبد  
 فانه منكم يومز بالقدر وضروته وطلوه ومنه منزلة فقد كتبه  
 ومن ظهر في قوله على الله فقد عجز ان الله لم يصح مخلوقا ولم ينطق  
 كراهوا في هذا الجواز على الملك بل في هذا الملك لان الملك والقد  
 كما عليه اقدوم فان يتجروا بالظاهه لم يجزرو عنها حادوا ولا  
 ضبطوا وان يتجروا بالمعصية فتا ان تحول بينهم وبينها فقل فان  
 لم ينقل وليس هو الذي لا ظلم فيهم غير اولا علم طمها فتدرا بال وهم  
 وناسم وطلوهم واقدوم هذه صفاتنا اهل البيت واللم  
 وقبلت كتب عبد الملك بن وائل الحسن بن ابي الحسن  
 البصري بعد ان علمه سيد الملك امر المؤمنين الحسن بن ابي الحسن  
 سلام



(۱۳۳۹) مختلف الروایة

(فقه عامه - عربی)

از: علاءالدین محمد بن عبدالحمید اسمندی سمرقندی (درگذشته ۵۵۲ ق)  
علاءالدین ابوالفتح محمد بن عبدالحمید بن حسین بن حسن بن حمزه اسمندی  
سمرقندی، از فقها و متکلمین حنفی مذهب است که در دانشهای گوناگون همچون فقه،  
اصول، کلام، تفسیر و مناظره مهارت داشت. وی در سال ۴۸۸ ق، در اسمند - از  
روستاهای سمرقند - به دنیا آمد و در سال ۵۵۲ ق وفات یافت.

او تالیفاتی در رشته‌های مختلف علمی از خود بجای گذاشته است، از جمله:

۱. شرح الهدایة، شرح بر «الهدایة فی أصول الاعتقاد و علم الکلام» شیخ نورالدین ابوبکر احمد بن محمد صابونی حنفی<sup>۱</sup> (درگذشته ۵۰۸ ق).
۲. شرح التأویلات، شرح بر «تأویلات» ماتریدی، در بیان اصول اهل سنت و اصول توحید است، در چهار جلد.<sup>۲</sup>
۳. بذل النظر، در اصول فقه.
۴. شرح عیون المسائل، شرحی است بر «عیون المسائل فی فروع الحنفیة»، ابولیت نصر بن محمد سمرقندی (درگذشته ۳۷۶ ق).<sup>۳</sup>
۵. کتاب فی التفسیر.
۶. شرح الجامع الکبیر، شرحی است در چند جلد بر «الجامع الکبیر فی فروع الحنفیة» محمد بن حسن شیبانی (درگذشته ۱۸۷ ق).<sup>۴</sup>
۷. المعترض و المختلف علی مذهب ابي حنیفه.
۸. التعلیقة العالمیة، کتابی است در خلاف و جدل، در چند جلد.
۹. الفوائد العلائیة.
۱۰. مختلف الروایة.<sup>۵</sup>

کتاب حاضر شرحی است بر «منظومة الخلافيات» نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی

۱. کشف الظنون، ۲/۲۰۴۰.

۲. همان، ۱/۳۳۶.

۳. همان، ۲/۲۲۸۷.

۴. همان، ۱/۵۶۷.

۵. الاعلام، زرکلی، ۶/۱۸۷؛ معجم المؤلفین، ۱۰/۱۳۰؛ هدیة العارفين، ۲/۹۲؛ مختلف الروایة، اسمندی سمرقندی، مقدمه تحقیق از عیسی زکی عیسی.



(درگذشته ۵۳۷ ق)<sup>۱</sup> که در آن مسائل فقهی اختلافی بین امامان چهارگانه حنفیان: ابوحنیفه، ابویوسف، محمد بن حسن، زفر بن هذیل و شافعی و مالک بیان شده است و از نخستین منظومه‌های فقهی است که در آن به ذکر مسائل مهم پرداخته و از ایراد ادله خودداری شده است. شروح متعددی بر این منظومه نگاشته‌اند، از جمله:

۱. مختلف الروایة، علاءالدین محمد بن عبدالحمید (درگذشته ۵۵۲ ق).

۲. الموجز، ابی‌الحسن علی بن محمد بن علی (درگذشته ۵۹۲ ق).

۳. شرح ابی‌اسحاق ابراهیم بن احمد موصلی، (درگذشته ۶۵۲ ق).

۴. حقائق المنظومة، ابی‌حامد محمد بن محمد بن داود مولوی بخاری (درگذشته ۶۷۱ ق).

۵. شرح خطاب بن ابی‌القاسم قره‌حصاری، تألیف در ۷۱۷ ق.

۶. شرح رضی‌الدین ابراهیم بن سلیمان حموی منطقی (درگذشته ۷۳۲ ق).

۷. ملتی البحار من منتقی البحار، ابی‌المفاخر محمد بن محمود سدید زوزنی.

۸. النور المستنیر، ابوبکر محمد حدادی.

مختلف الروایة نخستین شرح بر منظومة الخلافيات نسفی است که به نامهای «حصر المسائل و قصر الدلائل» و «اختلاف الروایة و المذاهب» نیز خوانده شده است.

این کتاب در برخی منابع، به اشتباه به ابولیت نصر بن محمد بن ابراهیم سمرقندی (درگذشته ۳۷۳ ق) منسوب شده است. چرا که ابولیت کتابی دارد به نام «المختلف فی الفقه بین ابی‌حنیفه و أصحابه» که مبوب بر ابواب فقهی است و در هر مسأله قول چهار امام حنفیان (ابوحنیفه، ابویوسف، محمد و زفر) را آورده است،<sup>۲</sup> در حالی که اسمندی اقوال شافعی و مالک را نیز می‌آورد، یعنی فتاوی فقهای سه مذهب حنفی، شافعی و مالکی را آورده و در مذهب حنفی نیز فتاوی چهار تن از ائمه فقهی‌شان را بیان کرده است.

البته اسمندی در مختلف الروایة از ابولیت سمرقندی تبعیت کرده و برخی معتقدند که کتاب او را ترتیب داده و مطالبی بر آن افزوده است و تحریر جدیدی از کتاب ابولیت را ارائه نموده است.<sup>۳</sup>

همچنین این کتاب را، به سهو به محمد بن احمد بن ابی‌احمد ابوبکر علاءالدین

۱. کشف الظنون، ۱۸۶۷/۲.

۲. نک: کشف الظنون، ۱۶۳۶/۲؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، الفقه الحنفی، ۱۶۰/۲ - ۱۶۱.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۰۴/۶؛ نوادر المخطوطات العربية في مکتبات ترکیا، رمضان شسن، ۲۸۳/۱.

سمرقندی (درگذشته ۵۷۵ ق)، صاحب تحفة الفقهاء نسبت داده‌اند. گویا سبب این اشتباه، تشابه اسمی بوده است.<sup>۱</sup>

اسمندی درباره شیوه نگارش کتاب، اطلاعات مفصلی به دست نداده جز آنچه که در مقدمه کتاب آورده است: «فانی قصدت أن أذكر مسائل مختلفة الرواية كتاباً، وأرسم خلاف كل واحد من الأئمة باباً، على الترتيب الذي رتب به بعض أستاذينا عليه السلام إلا أنهم أوردوا الكتب كلها في كل باب. و أنا أوردت الأبواب كلها في كل كتاب، و أذكر في كل مسألة نكتة شافية و حجة كافية».<sup>۲</sup>

تقسیم‌بندی کتاب براساس کتابهای فقهی از کتاب الطهارة و الصلاة شروع شده و به کتاب الکراهية ختم می‌شود و هر کتاب دارای ده باب است، عناوین کتابها چنین است: کتاب الطهارة و الصلاة، کتاب الزكاة، کتاب الصيام، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق، کتاب المکاتبة، کتاب الولاء، کتاب الايمان، کتاب الحدود، کتاب السرقة، کتاب السير، کتاب اللقيط، کتاب اللقطة، کتاب الآبق، کتاب الودیعة، کتاب العارية، کتاب الشركة، کتاب الصيد، کتاب الوقف، کتاب الهبة، کتاب البيوع، کتاب الصرف، کتاب الشفعة، کتاب القسمة، کتاب الاجارات، کتاب ادب القاضي، کتاب الشهادات، کتاب الرجوع عن الشهادات، کتاب الاقرار، کتاب الوکالة، کتاب الکفالة، کتاب الصلح، کتاب الرهن، کتاب المزارعة، کتاب الأشربة، کتاب الاکراه، کتاب الحجر، کتاب المأذون، کتاب الديات، کتاب الجنایات، کتاب الوصایا، کتاب الفرایض و کتاب الکراهية. چنانکه گذشت، در هر یک از کتابها تنها مسائل مهم و اختلافی، در ده باب بدین ترتیب مطرح می‌شود:

الباب الاول: قول أبي حنيفة على خلاف قول صاحبيه؛

الباب الثاني: قول أبي يوسف خلاف قول أبي حنيفة و محمد؛

الباب الثالث: قول محمد خلاف قول أبي حنيفة و أبي يوسف؛

الباب الرابع: قول أبي حنيفة خلاف قول أبي يوسف و لا قول لمحمد؛

الباب الخامس: قول أبي يوسف خلاف قول محمد و لا قول لأبي حنيفة؛

الباب السادس: قول محمد خلاف قول أبي حنيفة و لا قول لأبي يوسف؛

۱. مختلف الرواية، مقدمه تحقیق، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۱۰۳-۱۰۴.



الباب السابع: ما تفرّد كل واحد من الثلاثة بقول على حده؛  
 الباب الثامن: قول زفر خلاف قول أصحابنا الثلاثة؛  
 الباب التاسع: قول الشافعي خلاف قول أصحابنا؛  
 الباب العاشر: جوابات مالک بن انس.

نسخه‌های متعدّدی از این کتاب در کتابخانه‌های چستربیتی، برلین و سلیمانیه در ترکیه موجود است و کهن‌ترین آنها نسخه کتابخانه‌ی عاشر افندی است که هم‌اکنون در کتابخانه سلیمانیه نگهداری می‌شود و تصویر حاضر از این نسخه تهیه شده است.  
 عیسی زکی عیسی در سال ۱۹۸۵ م، تصحیح ابواب عبادات (الصلاة، الزکاة، الصوم و المناسک)، از این کتاب را به عنوان رساله دکتراي خود قرار داده و در کویت، به سال ۱۴۰۷ ق به چاپ رسانده است.

منابع: الأعلام، ۱۸۷/۶؛ كشف الظنون، ۱۶۳۶/۲؛ مختلف الرواية، مقدمة تحقيق (القسم الدرّاسي)؛ معجم المؤلفين، ۱۳۰/۱۰؛ هدية العارفين، ۹۲/۲؛ نوادر المخطوطات العربية في مكّتبات تركيا، ۲۸۳/۱.

آغاز: «بسمه الحمد لله المتعزّز بذاته المقدّس بأسمائه و صفاته و الصلوة على رسوله المؤيّد بآياته و معجزاته المبلّغ لأحكامه و رسالاته و على آله و أزواجه و ذريّاته و سلّم تسليمًا كثيرًا» كتاب الصلوة باب قول أبوحنيفة على خلاف قول صاحبيه.  
 انجام: «و الجواب عن التعليق بالنص و قد مرّ في باب الشافعي ﷺ و الله اعلم بالصواب، تمّ الكتاب».

نسخ، محمد بن على بن ابى بكر مغربى، پایان کتاب الولاء: دهه آخر ربيع الآخر ۶۵۳، پایان کتاب: پنجشنبه سلخ جمادى الآخر ۶۵۳، عناوين به خط درشت و شنگرف، در حاشیه تصحیحات اندكى به چشم مى خورد، در ابتدای نسخه فوایدی تفسیری و فقهی درج شده است و تملک مصطفى عاشر در بروسه با مهر وی دیده می‌شود، به گفته عیسی زکی عیسی نام کتاب و مؤلف بر روی غلاف نسخه حاضر چنین ثبت شده است: «مختلف الرواية في الخلافيات للشيخ الامام ابواللیث نصر بن محمد السمرقندي توفي ۳۷۵».<sup>۱</sup>  
 ۵۵۴ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه عاشر افندی، نسخه شماره «۱۱۷» منتقل شده به کتابخانه سلیمانیه، در استانبول ترکیه.



(۱۳۴۰) [تفسیر القرآن الکریم] (تفسیر - عربی)

از: ناشناخته

تفسیر کهنی است با عناوین «قوله - قوله»، از مؤلفی ناشناس از اهل سنت و جماعت که احتمالاً در حوزه علمی و عرفانی خراسان قدیم پرورش یافته و استادی که از او بسیار با عنوان «قال الاستاد رحمته» نقل می‌کند و اساتید استادش حوزه درسی در خراسان (و نیشابور) داشته‌اند. برای کمک به شناسایی بهتر این اثر، قرائن به دست آمده از نسخه را در چند بند می‌آوریم:

یکم: مؤلف در جایی از این تفسیر، از تألیف دیگر خود به نام الانوار یاد می‌کند: «قال الاستاذ رحمته قضی الله فی سابق علمه أن یکون السنة اثنی عشر شهراً فی کلّ زمان و بکلّ لسان فهی بالعربیة المحرم و صفر و ... و هی علی کلّ لسان اثنا عشر ولو لا مخافة السامة و الاملال لذكرتها بلسان الفرس و الروم و النبط و الهند و القبط و ذكرت أصول لغات العرب و اشتقاقاتها و اختلاف أهل الأدب فیها فمن أراد علمها و الوقوف علیها فلیطلبها فی کتابنا المسمی کتاب الأنوار»<sup>۱</sup> [برگ ۵۴].

دوم: از کلمات فارسی نیز در این تفسیر استفاده شده است، چنانکه در اواخر سوره عنکبوت آورده است: «قال أبوبکر الواسطی: و الذین جاهدوا فینا أي فی طلبنا، ثم قال بالفارسیة: از ما بما ما را جویند راه نمایم‌شان تا ما را یابند» [برگ ۲۴۵].

سوم: گویا تفسیر حاضر در سه جلد تنظیم شده است:

جلد اول: از سوره فاتحه تا سوره اعراف؛

جلد دوم: از سوره انفال تا سوره شوری (نسخه حاضر جلد دوم را دربردارد)؛

جلد سوم: از سوره زخرف تا آخر قرآن.

می‌دانیم که مؤلف از سوره فاتحه تا پایان سوره شوری را تفسیر نموده، چنانکه در

۱. احتمال می‌رود که الأنوار، یکی از تألیفات استاد مذکور باشد؟ چنانکه همین استاد رساله‌ای در تأویل سوره فاتحه و کتاب مفصلی در تفسیر آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نگاشته است و اشعاری نیز سروده است.



برگ ۳۱۱ از نسخه موجود آمده است: «و قد بینا شرحه فی أول البقرة»، أما خبری از اینکه توفیق اتمام تفسیر را یافته یا نه در دست نیست.

چهارم: کتابت نسخه موجود به وسیله محمود بن محمد سرخسی در ۲ جمادی الاولی ۶۱۰ به پایان رسیده و آربری در فهرست کتابخانه چستریتی، آن را منحصر به فرد دانسته و درباره نام مؤلف و کتاب هیچ اطلاعی به دست نداده است.<sup>۱</sup> بنابراین تألیف این اثر باید پیش از تاریخ ۶۱۰ ق بوده باشد.

پنجم: برخی از نقل قولهای موجود در این تفسیر، احتمال تألیف آن را در حدود اواخر سده چهارم یا اوایل سده پنجم هجری تقویت می‌کند. برای توضیح بیشتر نمونه‌ای از نقل قولها ذکر می‌شود:

برگ ۲۴۴: «قال الاستاذ: و سمعت ابا محمد احمد بن محمد بن ابراهیم البلاذری<sup>۲</sup> يقول: سمعت بکر بن عبدالرحمان يقول سمعت ذا النون المصري ...».

برگ ۳۱۴: «قال الاستاذ رحمه الله سألني الاستاذ ابوسهل محمد بن سليمان رحمه الله في أول مجلس عقد لي بنيسابور».

شرح حال ابوسهل محمد بن سلیمان صعلوکی (درگذشته ۳۶۹ ق) در سیر اعلام النبلاء (ج ۱۶، ص ۲۳۶) آمده است.

برگ ۲۷۲: «قال الاستاذ: و سمعت ابا بکر الطرازي يحكي عن الدریدی انه كان يقرأ هذه الآية على هذا التأويل و هو خلاف الخط ...».

برگ ۲۳۱: «قال الاستاذ: سمعت ابا نصر منصور بن عبدالله الاصبهاني بهراة يقول: سمعت ابا الحسن عمر بن واصل العنبري يقول: سمعت سهل بن عبدالله التستري يقول: المضطر الذي اذا رفع يديه الى الله داعياً لم يكن له وسيلة من طاعة قدمها».

سهل بن عبدالله تستری (درگذشته ۲۸۳ ق)، صوفی مشهور سده سوم هجری است که آرای تفسیری اش در دفترهای مختلف گردآوری شده است.<sup>۳</sup> از منصور بن عبدالله هروی (درگذشته ۴۰۲ ق) در سیر اعلام النبلاء (ج ۱۷، ص ۱۱۴ - ۱۱۵) به بدی یاد شده است.

برگ ۲۷: «و سمعت اباسهل محمد بن محمد بن الأشعث يقول ...».

۱. فهرست آربری، ۱۱۰/۲؛ همان، ترجمه عربی محمود شاکر سعید، ۲۹۶/۱، نسخه شماره «۳۴۹۶» کتابخانه چستریتی.

۲. ابو محمد احمد بن محمد بن ابراهیم طوسی بلاذری (درگذشته ۳۳۹ ق)، نک: سیر اعلام النبلاء، ۳۶/۱۶.

۳. نک: کتابشناسی جهانی قرآن کریم، ۴۹۶/۲.

محمد بن محمد بن اشعث کوفی (درگذشته ۳۲۰ ق). نام وی در سیر اعلام النبلاء (ج ۱۴، ص ۴۶۷) آمده است. نیز بنگرید: طبقات اعلام الشيعة، القرن الرابع، ص ۳۰۲.

برگ ۲۷: «سمعت ابابکر بن عبدش<sup>۱</sup> [كذا] يقول: الذين عاهدت منهم من هاهنا...».

برگ ۲۷۲: «قال الاستاذ: سمعت ابابکر بن عبدش يحكي عن الحسين بن الفضل انه قيل له أيجوز أن يكون من اصطفاه الله ظالماً».

برگ ۲۸: «سمعت ابابکر محمد بن محمد بن نخير القطان يقول: سألت رجل محمد بن سيرين فقال ان فلاناً اوصى ماله للحصون...».

برگ ۵۶ و ۵۷: «سمعت أباجعفر محمد بن احمد بن سعيد العيدي الأديب، سمعت ابابکر الدريدي يقول: انما سمى مالك بن أنس كتاب الموطأ لتواطؤ الفريقين عليه، سمعت أبامنصور الأزهري بهراة...؛ سمعت أباجعفر محمد بن صالح بن علي الطبري،<sup>۲</sup> سمعت محمد بن سلم بن منصور الموصلي، سمعت أبي يقول: قال رجل من الشيعة لأبي يوسف القاضي ما ظنك بخمسة سادسهم ملك...؛ حدثنا ابراهيم بن مضار بن ابراهيم و محمد بن صالح بن هانى و اللفظ له قال: حدثنا الحسين بن الفضل البجلي...».

برگ ۷۷: «حدثنا أبوالعباس الأصم،<sup>۳</sup> حدثنا ابراهيم بن مرزوق البصري<sup>۴</sup> بمصر، حدثنا عبدالله بن بكر السهمي،<sup>۵</sup> حدثنا عباد بن منصور عن القاسم بن محمد، سمع أباهريرة يقول: قال رسول الله ﷺ ان الله يقبل الصدقات و لا يقبل منها الا الطيب...».

برگ ۵۲: «حدثنا أبوجعفر محمد بن سليمان بن منصور، حدثنا أبو مسلم ابراهيم بن عبدالله،<sup>۶</sup> حدثنا أبو عاصم النبيل، حدثنا عبدالحميد بن جعفر عن سويد أو الاسود بن العلا عن ابي سلمه؟...».

۱. نک: سیر اعلام النبلاء، ۵۳۴/۱۵.

۲. شرح حال محمد بن صالح بن علی بغدادی (درگذشته ۳۶۹ ق)، در سیر اعلام النبلاء، (ج ۱۶، ص ۲۲۶ - ۲۲۷) آمده است.

۳. أبوالعباس محمد بن يعقوب النيسابوري الأصم (۲۴۷-۳۴۳ ق)، نک: سیر اعلام النبلاء، ۴۵۲/۱۵ - ۴۶۰.

۴. أبو اسحاق ابراهيم بن مرزوق البصري نزيل مصر (درگذشته ۲۷۰ ق)، نک: سیر اعلام النبلاء، ۳۵۴/۱۲ - ۳۵۵.

۵. أبو وهب عبدالله بن بكر السهمي الباهلي البصري (درگذشته ۲۰۸ ق)، نزيل بغداد، نک: سیر اعلام النبلاء، ۴۵۰/۹ - ۴۵۱.

۶. أبو مسلم ابراهيم بن عبدالله بن مسلم البصري الكنجي (درگذشته ۲۹۲ ق)، صاحب السنن، نک: سیر اعلام النبلاء، ۴۲۳/۱۳ - ۴۲۵.



برگ ۲۸۳: «قال الاستاذ: سمعت ابازكريا يحيى بن محمد بن عبدالله العنبري يقول، سمعت أباالعباس احمد بن محمد بن الأزهر السجزي يقول، سمعت أبحاثم سهل بن محمد يقول: الخصم في الحق و الخصيم في الباطل».

شرح حال ابوزكريا يحيى بن محمد بن عبدالله بن عنبر بن عطاء سلمى عنبري نيشابوري (درگذشته ۳۴۴ ق) را در سير اعلام النبلاء، (۵۳۳/۱۵) بنگرید.

برگ ۳۱۴: «سمعت اباعبدالله محمد بن عاذ البغداذي يقول: سئل جُنيد عن اللطيف فقال اللطيف الذي لطف بعباده و اوليائه حتى عرفوه فعبدوه ولو لطف باعدائه كما لطف باوليائه لما جحدوه».

برگ ۱۸۶: «سمعت أبي الله يقول: سمعت علي بن محمد الوراق يقول: سمعت يحيى بن معاذ الرازي يقول: و قرأ هذه الآية: الهي هذا رفك بمن يقول انا الاله فكيف رفك بمن يقول أنت الاله».

علی بن محمد الوراق (درگذشته ۳۷۷ ق)، شرح حال وی در سير اعلام النبلاء، (۳۲۷/۱۶) آمده است.

ششم: درموردی از برخی کتابها نام برده و قصائد و اشعاری از شاعران مختلف نقل کرده است، از جمله:

برگ ۳۰۲: «قال الاستاذ رحمه الله: و رأيت في مصحف عبدالله حقت كلمات ربك علي الجمع ...».

برگ ۳۱۴: «و بنحو ما قاله محمد بن كعب، قاله علي بن القاسم الخوافي، مؤلف كتاب مختصر العين في مسألياته أي في قصايدته المسمى «المسليات»:

غداً عند مولى الخلق للخلق موقف يسألهم فيه الجليل فيلطف».

درباره ابوالحسن علی بن قاسم سنجانی خوافی (درگذشته حدود ۴۰۰ ق)، بنگرید به: تاریخ التراث العربی، علم اللغة، ص ۸۸.

برگ ۲۸۸: «فلما كملت مائة وقعت القرعة على الابل فنحرها و خلى عن عبدالله و هو يقول شعراً في كل قرعة يطول ذكرها و ذكرها محمد بن اسحاق بن يسار في كتاب بدؤ الخلق، قال الاستاذ: و سمعت أبا بكر محمد بن [ ] الضرير يقول: سمعت أبا محمد الزنجاني المؤدب يقول: سئل ابوسعيد الضرير عن الذبيح فأنشد:

ان الذبيح هُديت اسماعيل نطق الكتاب بذاك و التنزيل

شرف به خصّ الاله نبینا  
ان كنت امتّه فلا تنکر له  
و أبانه التفسیر و التأویل  
شرفا به قد خصّه التفضیل».

برگ ۲۲۸: «قال الاستاذ عليه السلام أنشدني أبي عليه السلام :

ان الملوک بلاء حيث ما حلّوا  
ماذا تؤمّل من قوم اذا غضبوا  
فلا یکن لك في أکنافهم ظلّ  
جاروا عليك و ان ارضیتهم ملّوا...».

برگ ۲۷۰: «قال الاستاذ قلته انا في شبابي:

لا يتمّ المقال الآ بفعل  
كلّ قول بلافعال هباء».

برگ ۲۳۹: «قال الاستاذ: و أنشدني محمد بن صالح،<sup>۱</sup> قال أنشدنا حماد بن علي  
البکراوي لمحمود الوراق<sup>۲</sup>

توکل علی الله في کلّ حاجة  
اردت فانّ الله یقضي و یقدر ...  
قال الاستاذ: و أنشدني حنّف بن احمد بن حنّف الطبري:

العبد ذو ضجر و الربّ ذو قدر  
و الخیر اجمع فیما اختار خالقنا  
و الدهر ذو دَوْلٍ و الرزق مقسوم  
و فی اختیار سواه اللوم و الشوم».

برگ ۲۸۶: «قال الاستاذ: و قرأت في بعض الكتب من أخبار الأنبياء ...».

برگ ۱۸۶: «رأيت في بعض التفاسیر ... ، رأيت في بعض المعاني ...».

هفتم: در این کتاب بسیار از مفسران، لغویون و قراء نقل قول می شود، و نامهای مقاتل بن  
حیان، مقاتل بن سلیمان، قتاده، عطا، مجاهد، ابن عباس، کلبی، سدی، قطرب، فراء،  
مبرد، اخفش، ابن کثیر، اعمش، حمزه و کسایی در جایهای مختلف آن آمده است.

هشتم: در موارد اندکی از ائمه شیعی مطالبی نقل شده است، همچون:

برگ ۲۸۷: «و قد روي عن علي بن أبي طالب أنه قال: الصلوة التي فاتت كانت صلوة

العصر ...».

برگ ۲۸۹: «ان الحرث الاعور روى عن علي بن أبي طالب أنه قال من قال في قصة

داود ...».

برگ ۳۰۱: «روى الحرث الاعور و عبد خير عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: اذا جاوزوا

النار أتى بهم الى باب الجنة ...».

۱. محمد بن صالح بن علی بغدادی (درگذشته ۳۶۹ق)، نک: سیر اعلام النبلاء، ۲۲۶/۱۶.

۲. نک: سیر اعلام النبلاء، ۴۶۱/۱۱ - ۴۶۲.



برگ ۳۱۲: «قال سعيد بن جبیر: ح من رحمان م من مجید ع من عالم س من قدوس ق من قاهر، و كذلك قال جعفر بن محمد الصادق».

برگ ۳۱۴: «قال جعفر بن محمد الصادق: الله لطيف بعباده يعني في الرزق، قال الاستاذ: و لطفه في الرزق من وجهين...».

برگ ۳۱۴: «قال علي بن موسى الرضا: الله لطيف بعباده يعني بأمة محمد ﷺ في الازعاف».

برگ ۱۴۸: «قوله و لقد آتيناك سبعاً من المثاني اختلفوا فيه قال ابن عباس و علي بن أبي طالب و عبدالله بن مسعود و قتادة و الضحاک و سعيد بن جبیر و الربیع بن أنس في آخرین هي فاتحة الكتاب ... قال علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب: كنت عند ابن عباس فسأله سعيد بن جبیر عن السبع المثاني فقال: فاتحة الكتاب سبع آيات، قلت فأين السابعة؟ قال: بسم الله الرحمن الرحيم و عدّها في يده ... قال الاستاذ: و الكلام في هذه المسألة يطول و قد تقصيناها في كتابنا المؤلف في تأويل الفاتحة».

برگ ۱۶۶: «قال جعفر بن محمد الصادق: هو اسم الجرد يعني الفارة التي نقتب السدّ فأهلكهم الله».

نهم: مؤلف و استادش در تفسیر آیات متعدّد، اختلاف دیدگاه خود با شیعه را صراحتاً بیان می‌کنند و نظر شیعه را با عنوان «زعم الشيعة» مطرح می‌کنند؛ همچون:  
در برگ ۳۱۸، ایمان جناب ابوطالب را با صراحت انکار می‌کند.  
در برگ ۵۶ و ۵۷ نظر شیعه درباره آیه غار را رد می‌کند و آن را از فضایل خلیفه اول می‌داند.

برگ ۲۴۴، درباره آیه ۴۸ سوره عنكبوت: «و ما كنت تتلوا من قبله من كتاب و لا تخطه بيمينك ...» قال الاستاذ: اختلف الناس في حكم هذه الآية فزعمت الشيعة انّ النبي ﷺ كتب قبل الوحي و لم يكتب بعده ...».

برگ ۲۹۰: «روى حيان عن الكلبي ان الشمس ردت على سليمان و تقول بعض الغلاة من الروافض: ردت الشمس على علي بن أبي طالب و على القولين بعيد عن الصواب!».

در برگ ۲۵۰ ذیل آیه ۲۰ سوره لقمان آمده است: «قال محمد بن علي الترمذي الظاهرة اكمال الدين و اتمام النعمة و الباطنة الرضا اعتباراً بقوله: اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً. قال الاستاذ ﷺ قد سُئِلْتُ عن

هذه الآية فخر جتها على مائتي واثني عشر وجهاً في ثمانية عشر جزءاً كل وجه منها يستشهد بآية أو خبر. فمن أراد أن يعلم كيفية المدخل في علوم القرآن فليتأمل الكتاب فإن فيه غنية عن غيره».

دهم: فراوانی نقل قول های مؤلف از استادش با عنوان «قال الاستاذ عليه السلام» به حدی است که به نظر می رسد، این کتاب تقریرات مجالس تفسیری استاد مذکور باشد. به جز موارد ذکر شده، چند نمونه دیگر نیز در تأیید احتمال پیش گفته می آوریم: برگ ۲۷۳: «قال الاستاد: و قد ذكرنا أقوال من قال ان الظالم الكافر أو المنافق أو الهالك و نبهنا على تفسيرها ...».

برگ ۲۷۶: «قال الاستاد: و رأيت في بعض الأقاويص أنه قال للرسولين ... قوله ان كانت الاصيحة واحدة فاذا هم خامدون. قال الاستاد: هذه قصة طويلة و ذكرت منها ما يقرب من الفهم و يكفي السامع طولها».

برگ ۲۷۷: «قال الاستاد: و سُئلت بمجمع من العلماء و الفقهاء عن التاء في الصفات و الزاجرات و التاليات ما العلة في تشبيه الملكية بالاناث؟ فقلت: هو جمع الجمع و ذلك ان الصافة جمع الصاف كقولك الرافضة و المعتزلة، ثم الصفات جمع الجمع و يجوز أن يكون الواحد صافة على المبالغة، كقولك رجل راوية الشعر و رجل علامة و نسابة و مطرابة و مجزامة، فالها فيها للمبالغة».

یازدهم: در این تفسیر، جهات مختلف تفسیری مورد توجه قرار گرفته است، از جمله: بحث های لغوی و بررسی اقوال لغویون؛ اختلافات در قرائت و توجه به نظرات قراء مختلف؛ روایات تفسیری و ارائه نظرات مفسران پیشین حتی از صحابه و تابعین؛ مباحث ادبی و استشهاد به ابیات شعرای بزرگ؛ مباحث کلامی و اعتقادی و اشاره به دیدگاه های خاص مخالفین همچون شیعه؛ و البته باگرایش آشکار عرفانی و نقل اقوال عرفا و صوفیان بزرگ همچون حسن بصری، سهل بن عبدالله تستری، ذوالنون مصری، ابوبکر واسطی، ابوسهل صعلوکی، یحیی بن معاذ رازی و ... .

دوازدهم: نسخه حاضر از تفسیر سورة انفال (سوره هشتم) تا سورة شوری (سوره چهل و دوم) را دربردارد. و در خاتمه تفسیر هر سوره مکی و مدنی بودن آن را مشخص می کند. جملات آغازین تفسیر برخی از سوره ها نقل می شود:

برگ ۳۷: سورة التوبة، قال الاستاذ عليه السلام: لهذه السورة سبعة أسماء، سورة التوبة و ... .



برگ ۸۶: سورة يونس عليه السلام، بسم الله الرحمن الرحيم قوله عزّ وجلّ الم تلك آيات الكتاب الحكيم، قال الاستاذ عليه السلام من جعله قسماً كان حرف الجواب محذوفاً و تقدير الكلام كما تقول و الله أنّ هذه آيات الكتاب الحكيم.

برگ ۱۰۶: سورة هود عليه السلام، بسم الله الرحمن الرحيم قوله تعالى الر كتاب، قد قدمنا القول بتأويل الر فيما مضى قال الفرا ارتفع الكتاب بالر، كأنه يقول حروف التهجي كتاب.

برگ ۱۶۰: سورة بنى اسرائيل، بسم الله الرحمن الرحيم قوله سبحانه الذي اسرى بعبد روي عن طلحة بن عبيدالله أنّه قال سألت رسول الله من تفسير سبحان.

برگ ۱۶۸: سورة الكهف، بسم الله الرحمن الرحيم قوله جلّ ذكره الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب يعني على محمد عليه السلام القرآن و فيه تقديم و تأخير.

برگ ۱۸۳: سورة طه، بسم الله الرحمن الرحيم قوله عزّ وجلّ طه روي الكلبي عن ابي صالح عن ابن عباس قال معناه يا رجال قال الكلبي هو بلغة عكّ قال الاستاذ عليه السلام و وجدنا ذلك في لغتهم.

برگ ۱۹۸: سورة الحجّ، بسم الله الرحمن الرحيم قوله عزّ وجلّ يا أيها الناس اتقوا ربكم قال الضحاك ما في القرآن يا أيها الناس فهو مكّي و ما فيه يا أيها الذين آمنوا فهو مدنيّ و لا تكاد تجد يا أيها الذين آمنوا مكياً.

برگ ۲۱۶: سورة الفرقان، بسم الله الرحمن الرحيم قوله عزّ وجلّ تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً، قال ابن عباس تبارك معناه تعالى قال الضحاك معناه تعظم.

برگ ۲۴۱: سورة العنكبوت، بسم الله الرحمن الرحيم قوله الم أحسب الناس أن يتركوا، مضى تفسير الم فيما تقدّم أحسب الناس اظنّ الناس ان يتركوا اي يهملوا ان يقولوا آمناً.

برگ ۲۶۹: سورة المليكة (فاطر)، بسم الله الرحمن الرحيم قوله تعالى الحمد لله فاطر السموات و الأرض جاعل الملائكة رُسلاً، القراءة بالكسر على النعت لله و قرأ الحسن البصري جاعل بالرفع.

برگ ۲۷۵: سورة يس، بسم الله الرحمن الرحيم قوله تعالى و تقدس يس و القرآن الحكيم قوله يس بسكون النون ما لم يوصل.

برگ ۳۱۱: سورة عسق، بسم الله الرحمن الرحيم قوله تعالى حم عسق روي أنس أنّ رجلاً أتى النبي عليه السلام فقال.

آغاز نسخه: «بسم الله الرحمن الرحيم، قال تعالى: يسئلونك عن الأنفال، قل الانفال لله و الرسول، قال الاستاذ عليه السلام: الأنفال بأسرها في غزاة بدر و اختلف الناس في معنى الانفال في هذا الموضع».

انجام نسخه: «قال الأخفش: أوالى الله تصير الأمور لأن الله يتولى الانشاء يوم القيامة دون خلقه، فأما في الدنيا فقد جعل بعض الأمور الى العلماء و السلطان، نظيره: و الى الله ترجع الأمور. و السورة مكية غير ثلث آيات في شأن أبي بكر و من سبته من المشركين، فأنها نزلت بالمدينة هه».

نسخ قدیم، برخی کلمات معرب، محمود بن محمد سرخسی، جمعه دوم جمادی الاولی ۶۱۰، انجامه کاتب: «تمّ المجلد بحمد الله و حسن توفيقه يوم الجمعة الثاني من جمادی الاولی سنة عشرة و ستمائة على يدي العبد الضعيف الراجي رحمة الله، محمود بن محمد السرخسي - غفر الله له و لوالديه و لجميع المؤمنين و المؤمنات -»، نکاتی در رسم الخط این نسخه قابل توجه است، از جمله مشکول بودن برخی کلمات، گذاردن سه نقطه در زیر «س» و گاهی در بالای آن، آوردن «ه» در پایان نقل قولها، گذاردن مد و تنوین، برخی از صفحات خط خوردگی دارد و تصحیحاتی در هامش برخی از آنها دیده می شود، چند یادداشت در اول و آخر نسخه به چشم می آید، از جمله در آخر نسخه آمده است: «لما كان بتاريخ ثلث و تسعين و ثمانمائة نظر في هذا الكتاب المبارك من أوله الى آخره، العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن علی بن ابی بکر بن علی ...»، یادداشتی دیگر در آخر نسخه: «نظر في هذا الكتاب العبد الفقير الى الله تعالى احمد بن الحاج سلطان علی ... في سنة ۹۸۳»، یادداشتهای ابتدای نسخه: «نظر في هذا الكتاب المبارك العبد الفقير الى الله محمد بن ابوبکر بن الفريد القواس ...»، «وقف علی الخلوئیة المترددین علی زاویة الشيخ عیسی بن کفان (؟) الکاینة بجامع المعلق بظاهر دمشق و لا یخرج منها ...»، چند نفر بر این وقف شهادت داده اند و نام شان در ذیل یادداشت وقف درج شده است، در برگ ۱۷ بالای صفحه این عبارت دیده می شود: «وقف علی زاویة الشيخ عیسی الخلوئی الکاینة بجامع المعلق بظاهر دمشق».

۶۳۶ صفحه، ۳۱ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستربیتی، دبلین، ایرلند جنوبی، شماره «۳۴۹۶».



فهرست آذربئی، ۱۱۰/۲؛ ترجمه عربی محمود شاکر سعید، ۲۹۶/۱.

سعدی در تفسیره فاما العلوه ۱۰ اراوه الله ما اضمنا وادنا فاجبی او زانسه به به نه المردی اهدا  
 و لکره حلهاء نور اقال اسر عما سر عی راه بر حال اسند و عی الفرار یا الی العبد الی رجعت الی عی  
 و لکره حلهاء نور اراوه ذکر الکتاب و ان همان دره مجوز شکر عداة العده مال سعد علی اینه  
 و رسوله اجزا ان تر صوه قال اساد و در صحت المسله و اخوانها با فح و اسسنا لهما دل  
 فال صاده رو چا مر امرنا یعنی رحمة مر امرنا اولسه و انکه نقض الی صراجه مستقم علی لفظ  
 مال نسف فاجله نظر یره فی سورة الفتح و بهدیکه صراجه استعما مال از عیایر یعنی الصراجه استعما  
 اوسع مما بین السماء و الارض قد لسه صراجه الله الدلیله ما فی السموات و الارض الی الله تصیر  
 الامور یعنی العاقبة ه صراجه الله قنقر علی الیدیل بطیره اهدنا الصراجه المسقیم صراجه  
 و لتسفر بالناسیة ناصیة قال الاحقر الی الله بصیر الامور از انسه موی الی انسه نوم العیامه  
 روز خلقه فاما فی الدنیا فقد جعل حصر الامور الی العلماء و الشطر نظیره الی الله ترجع الامور  
 و السورة مکنه غیر تلت ابان فی شان لوی کبره من سته من اشترکرها باها رلد بالقرسه ده

له المجلد محمد الله و حین برده بوم انچه الی الی و علی له و لصده عشره و ساسه  
 علی بدز الحد الصحف الراهی رحمانه محمود رحمد السرحس عفرانه له دلو الی الله و لجمع السیر

المواد

همزه او زانسه با نرسا  
 و لکره حلهاء نور  
 و لکره حلهاء نور  
 و لکره حلهاء نور  
 و لکره حلهاء نور  
 و لکره حلهاء نور

تفسیر القرآن الکریم، ش ۱۳۴۰، ۱۳۴۰.

